



شرافت سخاوت‌مندی

مشخصات کتاب

نام کتاب: شرافت سخاوتمندی

The Grace of Generosity

by Mike Wakely

مترجم: محناز جیوی

سال چاپ: ۱۳۸۵ / ۲۰۰۶

ناشر: روشن

تراژ: ۵۰۰

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
فصل اول: بخشش خداوند.....	۱
فصل دوم: پیروان خداوند باشیم.....	۷
فصل سوم: شرافت سخاوت.....	۱۳
فصل چهارم: انتخابهای دیگر.....	۱۹
فصل پنجم: بهانه آوردن.....	۲۷
فصل ششم: برکت هدیه دادن.....	۳۵
فصل هفتم: به کسانی که زیاد بخشیده شده.....	۵۱
فصل هشتم: چگونه هدیه کنیم؟.....	۶۰
فصل نهم: این هدایا باید به کیها داده شوند؟.....	۶۶

فصل اول

بخشش خداوند

در ابتدا خدا وجود داشت ... او از ازل موجود بود. قبل از هر چیز دیگر، او تنها بود، البته نه کاملاً تنها زیرا کتاب مقدس به ما می آموزد که خداوند یکتا خودش همانند یک خانواده است، و این خانواده متشکل است از خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس. این سه شخصیت از یکدیگر متمایز اند، اما در خداوند واحد سه شکل یا حالت هستی وجود دارد که هر سه کاملاً خدا هستند یعنی خداوند در عین زمان دارای سه شخصیت است، اما هر سه شخصیت دارای اراده، فکر و هدف واحد میباشند

آنها مانند یک خانواده سه عضوی صمیمی، همه چیز را به اشتراک میگذرانند و این تثلیث خدای آسمان و زمین بوده است. هر چه که وجود داشت منحصرأ متعلق به او بود و است. او میتواندست همه چیز را برای خود نگاه دارد. اما خدا میخواست با انسان شریک شود و چیزهایی بیافریند که باعث خشنودی او گردیده و منعکس کننده ذات وی باشند. گویی آرزویش گستردن شکوه و جلالش بود. در ابتدا خداوند شروع به خلقت کرد و دنیا را ساخت و از آن نقطه در بی نهایت شروع به بیان آنچه که خصوصیت لاینفک ذات وی بود، کرد، یعنی تمایل به بیان بخشش با اهدای بهترین چیزی که به وی تعلق داشت، برای انسان. "در آغاز خداوند آسمانها و زمین را آفرید ... و خدا این را پسندید" (پیدایش ۱:۱ و ۱۰).

- در ابتدا خداوند اجزای اصلی نور و تاریکی را آفرید. برای آنکه خداوند نور است، به همین دلیل با نور آغاز کرد.
- سپس قدرت خلاقه او وارد جزئیات شد و شروع به کاملتر کردن زمین نمود.
- وقتی همه چیز آماده شد، او آسمان را با پرندگان پر ساخت، دریا را با ماهیها و خشکه را با حیوانات ... او آن را برای مسکونیت آماده نمود.

اما هنوز خلقتش دوام داشت. یعنی همان چیزی که خداوند برای آن آماده ساخته بود - خلقت انسان بود.

خدا فرمود: "انسان را شبیه خود بسازیم تا بر همه چیز ... در زمین فرمانروایی کند" (پیدایش ۱: ۲۶). سپس چون خداوند دید که مرد به تنهایی کامل نیست، زن را نیز آفرید تا همراه او باشد.

خداوند خود خواه نبود و در آنچه که انجام داد هیچ حرصی نداشت. او این همه را برای استفاده انسان آفرید - برای لذت مردمیکه اکنون ساکن دنیای آفریده شده او بودند. خداوند از ابتدا نسبت به آدم و حوا سخاوتمند بود. آنها چیزی که از آن خود شان باشد، نداشتند. همه چیز متعلق به خدا بود و او این چیزها را به آنها داد و به آنها باغ زیبا مهیا ساخت، محیط لذت بخش تا در آن زندگی کنند. او به آنها درختان را داد و میوه ها را، تا از آن تغذیه کنند که لازمه بقا بود. و به آنها احکام داد که مطابق آن زندگی کنند تا برایشان اساس رهنمای معنوی باشد.

آدم و حوا هر آنچه را که ممکن بود بخواهند در آن باغ داشتند، با این هم همه میدانیم که با سخاوت عاشقانه خداوند چه کردند. آنها از آن سوء استفاده کردند، به دروغهای شیطان گوش نمودند و اراده خداوند را نادیده گرفتند و از دستوری که خداوند به آنها داده بود چشم پوشی کردند. آنها قانون اصلی خداوند را شکستند و آنها در حقیقت برای کسب استقلال بر علیه خدای خود اعلام جنگ نمودند. آیا این کار سبب تغییر حالت خداوند نسبت به مخلوقش شد؟ نه! خداوند به رفتار سخاوتمندانه خود نسبت به مخلوقش اش ادامه داد، زیرا این ذات اوست که همیشه سخاوتمند باشد.

به این ترتیب رابطه حیرت انگیزی بین خدا و مردمی که او آفریده بود تا از سخاوت وی لذت ببرند شروع میشود.

اما مردم به طغیان علیه خدا ادامه دادند و از حرف شنوی و اطاعت او امتناع ورزیدند، و هیچگاه آفریدگار خود را برای لطفش سپاس نگفتند.

از سویی دیگر خداوند در طول تاریخ صبورانه و عاشقانه بخشش خود را به آنان عطا نموده، گاه آنها را ملامت و گاه تنبیه کرده، اما همیشه سخاوتمندانه نیازمندیهای آنان را برآورده میساخت. صفحه به صفحه کتاب مقدس را مطالعه کنید. شما متوجه خواهید شد که بخشش و عطایای خدا دایم در آن تکرار گردیده است.

خداوند به ابراهیم گفت: ”من این سرزمین را به نسل تو خواهم بخشید“ (پیدایش ۱۲: ۷).

- خداوند بار دیگر به مردم خود گفت: ”قول داده ام سرزمین ایشان را به شما بدهم تا آنرا به تصرف خود در آورده، مالک آن باشید. آنجا سرزمینی است که شیر و عسل در آن جاریست“ (لاویان ۲۰: ۲۴).
- مردم از جنگ و سرگردانی خسته شده اند. سپس داود سرایید: ”خداوند به قوم برگزیده خود قدرت میبخشد“ (مزمور ۲۹: ۱۱).
- ”با خدا خوش باش و او آرزوی دلت را برآورده خواهد ساخت“ (مزمور ۳۷: ۴).
- ”او جان تشنه و گرسنه را با نعمتهای خوب سیر میکند“ (مزمور ۱۰۷: ۹).

این فهرست بی انتهاست. و چه تصویر زیباست! خدای ما خدای است که از ابتدا تا انتها نسبت به مخلوقات خود بخصوص نسبت به قوم خود سخاوتمند بوده و برای همیشه چنین خواهد بود.

اما با شکوه ترین تصویر بخشش خدا در عظیمترین هدیه ای که تا بحال اهدا کرده دیده میشود - هدیه نجات با تقدیم عیسی مسیح. یکی از معروفترین آیات کتاب مقدس میگوید: ”زیرا خدا به دنیا آنقدر محبت داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد بلکه صاحب زندگی ابدی شود“ (یوحنا ۳: ۱۶).

خداوند میتواندست پیام محبتش را فقط از طریق پیامبران و رسولان برای ما بفرستد. محبت او در سرتاسر عهد عتیق بوسیله راههایی که وی به منظور برآوردن احتیاجات مردم در اختیار آنان گذاشته، بیان شده است. آیا لازم بود که او برای ابراز عشقش کار بیشتری انجام دهد؟ بله، لازم بود که خداوند باز هم ثابت کند که به ما اهمیت میدهد. او چگونه این کار را کرد؟

”خدا ... آنقدر محبت داشت که پسر یگانه خود را داد.“ محبت خدا به وسیله سخاوتش ثابت شده.

(لازم است یاد آوری کنیم که وقتی میگوییم، خداوند ”فرزندش را داد،“ منظور ما فرزند از طریق وابستگی فیزیکی نیست، بلکه ”خداوند تنها فرزند خود را داد،“ اصطلاحی است برای بیان این مطلب که خداوند جزئی از وجود خود را در قالب عیسی مسیح به این دنیا داد.)

۱- بخشش رایگان نسبت به دشمنانش

یکی از بزرگترین کلمات در سراسر کتاب مقدس ”فیض“ یعنی ”بخشش رایگان“ است. این کلمه ای است که بطور مرتب در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته، یکی از مهمترین کلمات در ایمان مسیحی این است که معنای کتاب مقدس را خلاصه میکند. به فراوانی به ما بخشیده ”زیرا به سبب فیض خدا است که شما از راه ایمان نجات یافته اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست است“ (افسیسیان ۲: ۸). این واقعاً به چه معناست؟

بخشش یا فیض به طور ساده یعنی ”سخاوتی از سوی خدا که مستحق آن نیستیم.“ بیانگر این حقیقت شگفت انگیز این است که خداوند بخشش را حتی به آنانی که سزاوار آن نیستند اهدا میکند، حتی آنان که از او متنفرند! چقدر راحت است که فکر کنیم خدا هدایایش را به آنانی میدهد که میخواهند آن را بدست بیاورند و مستحق آن هستند. اما خدای کتاب مقدس هدایای رایگان خود را به کسانی میدهد که شایسته آن نیستند! این است بخشش رایگان!

داستانی دربارهٔ یک پیره زن سیاه پوست در آفریقای جنوبی است، که همسر و فرزندش سالها پیش ظالمانه توسط یک افسر پلیس سفید پوست بقتل رسیدند. سرانجام آن پلیس بخاطر این قتل به محاکمه کشیده شد. مسلماً او گناهکار بود، اما قاضی رو به

پیرزن کرد و گفت: ”تو چه می‌خواهی؟ عدالت چگونه باید در مورد این مرد که خانواده، تو را ظالمانه از بین برده، اجرا شود؟“

آشکار بود که آن مرد به جزای اشد مجازات یعنی اعدام محکوم بود. پیرزن در نتیجه این جنایت همه چیز خود را از دست داده بود و از اندوه متداوم رنج میبرد. اما او یک مسیحی بود و میدانست که با قربانی شدن مسیح به او فایده رسیده. بنابراین برای مردی که باعث عذاب او شده بود تقاضای مجازات و یا مکافات نکرد. بجای آن رو به قاضی کرد و گفت:

”شوهر و پسر من تنها اعضای خانواده ام بودند. بنابراین می‌خواهم که این مرد فرزند من بشود یعنی می‌خواهم که ماه دو بار به دیدن من بیاید و یک روز را در کنار من بگذراند تا بتوانم عشقی را که در وجودم باقی مانده نثارش کنم. و مایلم بدانم من او را بخشیدم چون عیسی مسیح جان خود را فدا کرد تا ببخشد. مایلم از کسی بخواهم لطف کرده نزد من بیاید و مرا به آنسوی اتاق دادگاه ببرد تا بتوانم او را در بازوانم گرفته و در آغوش بکشم و بدانم که واقعاً بخشیده شده.“

این تصویری از بخشش رایگان است، بخشش رایگان خداوند. ما خواستار عدالت هستیم، خواستار انتقام، خواستار پاداش نیکوکاری. اما خدا این چنین نیست. خدا سخاوتمند است او حتی به آنان که مستحق آن نیستند بخشش خود را اهدا میکند.

۲ - فراوانی بخشش

خداوند سخاوتمند است و وقتی که میبخشد با افتخار این کار را میکند. خداوند سعی نمیکند تا حد ممکن کم بخشش کند و یا کم ارزشترین چیزها را برای بخشش انتخاب کند. وقتی که خدا میخواهد به انسان محبت کند به او میبخشد، یعنی با ارزشترین چیزهای خود را به او رایگان میدهد.

برای شخص ثروتمند دادن چند افغانی به یک گدا کار مهمی نیست. این کار به هیچ عنوان به ثروت و یا آرامش او لطمه ای وارد نمیسازد، و ممکن است او این سخاوت را برای اینکه ثواب را کمایی کرده باشد، انجام داده است.

اما خداوند چند سکه به یک گدا نداد، او با ارزشترین، گرانبهاترین و قیمتی ترین هدیه ای را که داشت اهدا کرد، یعنی یگانه فرزندش را. به عبارتی دیگر: زمانی که او مسیح را به این جهان فرستاد در واقع خودش را اهدا کرد. و این با ارزشترین هدیه بود. کتاب مقدس ذکر میکند: "شما میداینده که عیسی مسیح، خداوند ما چقدر بخشنده بود. گرچه دولتمند بود بخاطر شما خود را غریب ساخت تا شما از راه فقر او دولتمند شوید" (دوم قرنتیان ۸: ۹).

۳ - بخشش بدون قید و شرط

علاوه بر این، وقتی خداوند فرزندش را اهدا کرد، در حقیقت خودش را بدون هیچگونه قید و شرط اهدا کرد. مسیح آمد تا به مرگ حقیرانه همانند جنایتکاران بر روی صلیب تن دهد تا ما بتوانیم به حیات ابدی دست یابیم. این عظیم ترین هدیه ای بود که خدا به ما رایگان بخشید و برای او به قیمت درد و رنج بیکران فرزندش به روی صلیب برای تمام شد. بیائید هیچگاه اینگونه نیاندیشیم که خداوند، پدر آسمانی ما در فرستادن عیسی مسیح بر روی صلیب زجر نکشید. این هدیه یک قربانی اختصاصی بود، و برای او درد و اندوه به همراه داشت.

"خدا را برای بخشش غیر قابل توصیف او سپاس بگوئیم!" (دوم قرنتیان ۹: ۱۵).

فصل دهم

پروان خداوند باشیم

سخت‌وار خداوند در نجات تنها آغاز خبری خوش است. اگر جنایتکار بودید و مجرم شناخته شده بودید و تنبیه شدید یا جریمه ای سنگین برایتان در نظر گرفته شده بود، مسلماً در تیره روزی بسر میبردید. اما اگر کسی میامد و به شما میگفت که شخص نیکوکار و ثروتمندی کفار تمام قرض های شما را پرداخته و بنابراین شما تبرئه شده و آزاد هستید تمام دنیا برایتان عوض میشد! شما انسانی آزاد و شاد میشدید. و در حالیکه بعنوان انسان آزاد از دادگاه خارج میشدید، مطمئناً قدمهائتان احسانمندان و قلمبتهان پر از حس قدر شناسی نسبت به آن کسی میبود که گناه شما را بر دوش گرفته بود. ما به عنوان گناهکاری که مستحق مجازات هستیم نه پاداش؛ و محکومیت نه مرحمت و شرم نه افتخار؛ از طریق ایمان میتوانیم هدیه وصف ناشدنی خداوند را که سزاوار آن نیستیم، دریافت کنیم. و همین به تنهایی کافی است که ما را از دشمنانی سرکش به افرادی سپاسگذار تبدیل کند، و حتی بیش از آن، چون مسیح وعده داده که روح القدس بر تغییر ما نظارت کرده و به ما نیرو میبخشد.

برای بعضی مردم فهم پیام انجیل قابل درک نیست. یک بار با داکتری صحبت میکردم. برایش توضیح دادم که نجات رایگان است، کاملاً رایگان، زیرا این همان چیزی است که کتاب مقدس به ما میاموزد و ما بدون آن امیدی نداریم. او پاسخ داد: "اما این غیر ممکن است. هیچ چیز در دنیا رایگان نیست. هر چیز یک قیمتی دارد. و برای خرید یا بدست آوردن آن بهایی وجود دارد که باید پرداخته شود."

من برایش پاسخ دادم: "این درست است مگر عیسی مسیح به بهایی خون خود گناه های ما را خریده است، زیرا مزد گناه مرگ است اما نعمت خدا در پیوستگی با خداوند ما،

مسیح عیسی زندگی ابدی است“ (رومیان ۶: ۲۳). یک خدای عادل نمیتواند از گناهان ما چشم پوشی کند، مگر اینکه خداوند نجات را به عنوان هدیه ای رایگان به ما اهدا کند. در غیر اینصورت امیدی نداریم.

او باز گفت: ”اما این قابل قبول نیست. خداوند میخواهد و توقع دارد که ما برای نجات خود تلاش کنیم و آنرا بدست خواهیم آورد. این عدالت و درستکاری است. اگر هدیه نجات رایگان است، پس میتوانم آن را بدست آورده، دوباره مرتکب گناه شوم و هم در عین حال نجات یافته باشم. این غیر عادلانه میباشد.“

پولس رسول در زمان خویش به عین سوال روبرو شده بود، یعنی مثل آشنای من، آنها نمیتوانستند نجات رایگان را درک کند و فکر میکردند که چنین عقیده بهانه برای گناه بیشتر میشد. پس پولس به آنها در جواب نوشت: ”خوب اکنون چه باید کرد؟ آیا باید به زندگی در گناه ادامه دهیم تا فیض خدا افزون گردد؟ هرگز نه! مگر نمیدانید وقتی به مسیح ایمان آوردیم و غسل تعمید گرفتیم جزئی از وجود پاک او شدیم؟ و با مرگ او طبیعت گناه آلود ما نیز مرد؟“ (رومیان ۶: ۱-۲).

مشکلی وجود ندارد. نجات خداوند هدیه ای رایگان برای کسانی است که شایستگی آنها ندارند و بدون انجام هیچ کاری از طریق ایمانشان میتوانند به آن دست یابند. این هدیه نیکوکاری در شکوه و جلال بجای محکومیت در دوزخ است. از لحظه ای که ما هدیه رایگان خدا را دریافت میکنیم اعضای خانواده او میشویم، و حالا به عنوان اعضای خانواده خدا زندگی را شروع کنیم: ”و گر فرزندان او هستیم در آن صورت، وارث - یعنی وارث خدا و هم وارث با مسیح نیز هستیم، و گر ما در رنج مسیح شریک هستیم در جلال او نیز شریک میشویم“ (رومیان ۸: ۱۷).

این امتیازی باور نکردنی است، اما مسئولیت بزرگی نیز به همراه میآورد. شخصی هوشیارانه گفته: ”بهای ورود به بهشت رایگان است، اما عضویت ابدی بهای تمام زندگی ما و شما میباشد.“ یعنی اینکه ما وظایف و مسئولیتهای خانواده گی را به عهده بگیریم:

- همشکل خانواده شویم.
- نام و شهرت خانواده را بر دوش بگیریم.
- وضعیت خانواده را تحکیم ببخشیم.
- به خانواده خدمت کنیم.

وقتی که یکبار متوجه این موضوع شویم، زندگی دیگر هرگز مانند قبل نخواهد بود. خدای عشق و بخشش، خدایی که از سخاوت و مهربانی شکل گرفته، خصوصیات خود را در ما گسترش میدهد. "این امید هیچ وقت ما را مایوس نمیسازد زیرا محبت خدا بوسیله روح القدس که به ما اعطا شد قلبهای ما را فرا گرفته است" (رومیان ۵: ۵).

خداوند آنقدر جهان را دوست داشت که خود را هدیه میدهد ... و حالا ما این افتخار را یافته ایم که یاد بگیریم دنیا را همانگونه که او دوست داشت، دوست داشته باشیم.

میدانیم که محبت خدا واقعی است. او تنها در سخن ما را دوست ندارد بلکه این مطلب را با عملی فداکارانه یعنی فرستادن مسیح به این دنیا ثابت کرد. اگر کسی بگوید که ما را دوست دارد، میتوانیم حق طلبانه به او بگوییم: "اگر واقعاً مرا دوست داری، ثابت کن چنانچه عشق که حقیقی باشد. تصور کنید همسایه ای دارید که میگوید شما را دوست دارد و در فکر شما میباشد. هر وقت که شما او را میبینید میگوید: 'من واقعاً به فکر شما هستم شما را خیلی دوست دارم و به شما اهمیت میدهم. من عاشق شما هستم.'"

تصور کنید روزی شما با مشکلی روبرو شوید. بیمار شوید. کارتان را از دست بدهید. پولی نداشته باشید و یا صاحب خانه بگوید که خانه را تخلیه کنید و یا دزد اموال خانه شما را دزدی کند و شما همه چیز را از دست بدهید. در چنین حالتی از همسایه ای که میگوید شما را خیلی دوست دارد چه توقعی دارید؟ مطمئناً توقع خواهید داشت که با کمک به شما محبتش را ثابت کند. یعنی مقداری پول به شما بدهد. داکتر بیاورد، پیشنهاد کند که در خانه او اقامت کنید، و یا هر چیز دیگری که احتیاج دارید آنرا برایتان تهیه نماید. اگر

برایتان هیچ کمکی نکرده و باز هم به شما بگوید: ”من دوستان دارم!“ مطمئناً او را ریاکار خواهید خواند که کلماتش خالی و بیفایده هستند.

خداوند از راه دور نگفت: ”من شما را دوست دارم.“ او به زمین آمد و همنشین ما شد، و ما را از سیاه چال گناه و ناامیدی بیرون کشید. اگر خدا به ما پاسخ نداده بود، ما حق داشتیم مشتهای خود را بسوی او بالا ببریم و بگوییم: ”اگر واقعاً چنین قصدی نداری، از محبت صحبت مکن...“. اگر اثبات این ادعا را میخواهید، نگاهی به صلیب جلجتا بیندازید. درد و رنجی را ببینید که بیانگر محبت خداوند نسبت به ماست و به این ترتیب ثابت میکند که ما را دوست دارد. صلیب اثبات محبت خداوند است.

”مردی از اورشلیم به شهر اریحا میرفت که بدست راهزنان افتاد. او را لت و کوب نموده، لباس و پول او را غارت کردند و نیمه جان کنار سرک رهاش کرد و رفتند. اندکی بعد رهبری مذهبی (یک کاهن) از آن سرک میگذشت. او مردی مذهبی بود و با کتاب مقدس معرفت داشت و آیه زیر را خوب میدانست که میگوید: ”همسایه ات را مانند خود دوست بدار.“ اما او غرق در تعصب بود، بنابراین با عجله از سمت دیگر سرک گذشت.

و کمی بعد یک مرد مذهبی دیگر از راه رسید. شاید او فکر میکرد که اگر بدن نیمه جان آن مرد را لمس کند کثیف و یا آلوده خواهد شد. شاید هم او فکر میکرد که آن مرد بیچاره به داکتر احتیاج دارد او نیز با عجله از پهلویش گذشت و به او کمک نکرد.

سپس مرد سوم از راه رسید. این مرد مثل آن دو نفر قبلی شخصی مذهبی نبود. او به قومی دیگر و مذهبی دیگر تعلق داشت. او یک سامری بود، اما چیزیکه او را از افراد قبلی متمایز میساخت این بود که او در قلبش محبت داشت. وقتی آن مرد او را دید دلش به حال او سوخت. نزد و رفت، زخمهایش را با شراب شست و به آنها روغن مالید و بست. بعد او را برداشته سوار بر حیوان خود کرد و به کاروانسرای برد و در آنجا از او پرستاری کرد.“

اگر خدا در آسمان میماند، پیامبران و رسولان را برای هدایت ما میفرستاد تا به ما بگویند که او ما را دوست دارد، اما زمانیکه دچار زحمت بودیم از کنار ما میگذشت و در عمل کاری برای ما انجام نمیداد، حق داشتیم از او بپرسیم که آیا واقعاً ما را دوست دارد؟ اما کتاب مقدس بوضوح میگوید: ”و محبت خدا از این بر ما آشکار گردید که او پسر یگانه خود را به دنیا فرستاد تا ما بوسیله او زندگی داشته باشیم“ (اول یوحنا ۴: ۹).

به همین دلیل است که میدانیم محبت خدا واقعی است، نه فقط بخاطر اینکه در انجیل میگوید که ما را دوست دارد، بلکه بدلیل فرستادن مسیح بر روی صلیب برای نجات ما. ”ما معنی محبت را درک کرده ایم، زیرا مسیح جان خود را در راه ما فدا کرد. پس ما نیز باید جان خود را در راه برادران خود فدا سازیم.“ (اول یوحنا ۳: ۱۶). محبت او با سخاوتش ثابت شد!

چگونه بفهمیم که نجات یافته ایم؟ این سوال مهمی است، زیرا بسیاری از مسیحیان فکر میکنند بخاطر عضویت در یک مشارکت مسیحی، رفتن به کلیسا و لذت بردن از خواندن سرودهای مسیحی نجات یافته اند. عده ای دیگر فکر میکنند بخاطر تعمید گرفتن، خواندن دعای مخصوص و تکرار صحیح کلمات مسیحی نجات می یابند. هیچیک از اینها ثابت نمیکند که ما نجات یافته ایم و جایی در آسمان برای ما در نظر گرفته شده باشد. کتاب مقدس پاسخهای مناسب و متعددی به این سوال میدهد، ضروری است که ما مطمئن شویم نجات یافته و حیات جاویدان را حاصل کرده ایم. یکی از راههایی که میتوانید اطمینان یابید در نامه اول یوحنا دیده میشود.

”ما میدانیم که از مرگ گذشته و به زندگی رسیده ایم چون برادران خود را دوست می داریم. هر که دیگران را دوست ندارد هنوز در قلمرو مرگ زندگی میکند“ (اول یوحنا ۳: ۱۴).

فهمیدن این موضوع برای هر ایماندار و شاگرد مسیح اهمیت زیادی دارد. وقتی اولین بار به مسیح اعتماد کردید تا شما را نجات بخشد، اتفاقاتی در وجود تان بوقوع پیوست:

- ایمانتان را به مسیح سپردید.

- مسیح روح القدس را در قلب شما جای داد.

پس از نجات، دیگر شما یک قالب بی روح و خالی نیستید. مسیح آمد و درون شما را پر ساخت. او شما را از چه پر ساخت؟

رومیان ۵: ۵ را بخوانید: "زیرا او روح القدس را به ما عطا کرده تا دل‌های ما را از عشق و محبتش لبریز سازد."

روح القدس که در قلب هر ایماندار واقعی زندگی میکند، کارهای بسیاری برای ما انجام میدهد. او شروع میکند به مقدس ساختن ما. او زندگی عیسی مسیح را در ما زنده میکند و آرام، آرام ما را تغییر میدهد تا همانند مسیح شویم.

میوه حضور روح القدس در درون ما چیست؟ "اما ثمر روح القدس محبت، خوشی، سلامتی، بردباری، مهربانی، خیرخواهی، وفاداری، بی کبری و خویشتن داری است که هیچ قانونی که بر خلاف چنین کارها باشد وجود ندارد" (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳).

طبق اول یوحنا ۳: ۱۴ این محبت ثابت میکند که نجات یافته ایم. اگر محبت خدا وجود نداشته باشد، اثباتی برای نجات ما هم وجود ندارد.

چنین محبتی چگونه است؟ ما قبلاً به این سوال پاسخ داده ایم. یوحنا رسول نیز به آن پاسخ میدهد.

"ای فرزندان من، محبت ما نباید فقط در قالب حرف و زبانی باشد، بلکه باید حقیقی باشد و در عمل دیده شود" (اول یوحنا ۳: ۱۸).

"آیا ممکن است محبت خدا در کسی باشد که از ثروت دنیا بهرمند است ولی وقتی برادر محتاج خود را میبیند محبت خود را از او دریغ نماید؟" (اول یوحنا ۳: ۱۷).

محبت تنها زمانی واقعی است که عملاً به اجرا درآید. اعمال سخاوتمندانه و کمکی واقعی. این نشانه یک مسیحی واقعی است. کسی که محبت میورزد، کمک میکند، آسایش میبخشد، تشویق میکند.

فصل سوم

شرافت سخاوت

کلیسای عیسی مسیح حدود دو هزار سال پیش، در روز پنطیکاست بوجود آمد. آنگونه که در اعمال رسولان ثبت شده، در آن روز ۱۲۰ تن از ایمانداران و شاگردان مسیح در بالا خانه ای در اورشلیم گرد هم جمع شده بودند. ناگهان صدایی شبیه صدای وزش باد از آسمان فرود آمد و تمام آن خانه را پر کرد. سپس چیزی شبیه صدای زبانه های آتش بر آنها ظاهر شد. ”همه از روح القدس پرگشتند و بطوریکه روح به ایشان قدرت تکلم بخشید به زبانهای دیگر شروع به صحبت کردند“ (اعمال رسولان ۲: ۴).

همان روز جماعت پیروان مسیح بزرگتر شد. پطرس در حضور جمعیتی که گرد آمده بودند ایستاد، صدایش را بلند کرد و انجیل را موعظه نمود. سه هزار نفر ایمان آوردند و تعمید گرفتند. پیروان مسیح به یک جماعت تبدیل شدند.

بسیاری از مسیحیان چنان به کلیسای خود خو گرفته اند که از دیدن تفاوت کلیسای عهد جدید شگفت زده میشوند. پیروان دیگر مسیح ممکن است هرگز در یک مراسم رسمی عبادت کلیسایی شرکت نکرده باشند با این حال سوال خواهند کرد که آیا کلیساهای امروزه مانند کلیسای عهد جدید است. البته ما باید از کلیسای اولیه بیشتر بیاموزیم، زیرا این کلیسا از نظر اعمال به دستورات مسیح نزدیکتر میباشد. در اینجا فهرست مختصری از آنچه را که از اعمال رسولان ۲: ۴۲-۴۷ میاموزیم و در کلیسای اولیه مروج بوده ارائه میکنیم.

- “آنها وقت خود را با شنیدن تعلیمات ... میگذرانیدند.” آنها عاشق شنیدن داستانهای مسیح و آموختن تعالیم وی بودند. برای ایشان مهم بود که بدانند چگونه با اطاعت از خواست مسیح خدا را خشنود سازند. این نشانه مهمی از یک کلیسای واقعی است.
- همچنین آنها شوق فراوان داشتند تا با سایر ایمانداران مشارکت کنند، یکجا نان صرف کنند و در کنار هم دعا کنند. “آنها وقت خود را با مشارکت برادرانه و پاره کردن نان و دعا میگذرانیدند.” آنها با هم زیاد دعا میکردند، در خانه های یکدیگر غذا میخوردند و با تقسیم نان در خانه هایشان مرگ مسیح را یادآوری میکردند. با دلپایی خالص و شاد مهمان نواز بودند. در حقیقت، مهمان نوازی صمیمانه یکی از نشانه های پیروان واقعی مسیح است. چنین اشخاص این کار را برای خودنمایی و یا تظاهر انجام نمیدهد، بلکه از این طریق محبت خود را به دیگران اظهار میکند.
- تمام ایمانداران با هم همدست و در مال همدیگر شریک بودند. مال و دارائی خود را میفروختند و به نسبت احتیاج هر کس بین خود تقسیم میکردند. این ها اعضای جامعه ای بودند که یاد گرفته بودند چگونه با هم کمک کنند.

بعداً میخوانیم، “هیچ کس در میان ایشان محتاج نبود زیرا هر کس زمینی یا خانه ای داشت که آن را میفروخت، پولش را میآورد و در اختیار رسولان میگذشت و به این ترتیب بین محتاجان به نسبت احتیاجشان تقسیم میشد” (اعمال رسولان ۴: ۳۴-۳۵).

چنین خصوصیات ممکن است با آنچه که در کلیسا و در میان پیروان مسیح میبینیم، بسیار متفاوت باشد، اما این یک مفکوره عالی برای مسیحیان میباشد. به همین دلیل است که ما کتاب مقدس را میخوانیم و آن را مطالعه میکنیم، تا یاد بگیریم چگونه رفتار ما خدا گونه و همانند مسیح شود. ما از کلیسای اولیه درسهای مهمی میآموزیم. کلیسای اولیه نمونه خوبی است که آنرا سرمشق اعمال خود قرار بدهیم.

زمانی که نوزادی متولد میشود، او کاملاً ناتوان است و نمیتواند کاری برای خود انجام دهد. او فقط میتواند احتیاجات خود از قبیل شیر، پوشاک، توجه و مراقبت را از دیگران دریافت کند. بعد از رشد تدریجی او می آموزد که خود را چگونه تغذیه کند. بعداً به چارغوک و راه رفتن شروع نموده و می آموزد که چگونه لباس بپوشد و دیگر نیازمند به کمک والدینش نمیباشد، بلکه میآموزد مستقل باشد.

اما مرحله دیگری است که کودک ثابت میکند که رشد کرده است. باید متوجه شود که مسئولیت دارد تا به دیگران کمک کند، به دیگران اهدا کند، و کسانی را که از او فقیرتر هستند تغذیه کرده و لباس بپوشاند. کودکی که همیشه توقع دارد فقط دریافت کننده باشد و هیچگاه اهدا کننده نباشد، بی مسئول، خودخواه و همیشه نا بالغ است. پذیرش مسئولیت، اهدا کردن به نیازمندان و کمک به ضعیفان، نشانه های بلوغ و شرافت خدایی اند. آنها نشانه های رشد یک کودک هستند.

چنین چیزی در کلیسا و در میان ایمانداران نیز صدق میکند.

زمانی که ما در مسیح طفل هستیم، از نظر روحی همانند کودکانی میباشیم که به تازگی پیروی از مسیح را آغاز کرده اند و به کمک دیگران احتیاج داریم. لازم است که توسط معلمان شایسته کتاب مقدس با کلام خدا تغذیه شویم. و احتیاج داریم که توسط ایمانداران قویتر هدایت شویم.

اما وقتی بتدریج در مسیح به بلوغ نزدیک میشویم، طبیعتاً باید شروع به تغذیه و مراقبت خود بنمائیم. سپس زمانی که خود تغذیه شده و از نظر روحی قوی گشتیم، باید برکاتی را که دریافت میکنیم به دیگران نیزانتقال بدهیم. مسیحیان بالغ نه تنها باید نیازمندیهای مادی خانواده و کلیسای خود را بر آورده سازند، بلکه باید قادر باشند، نیازهای افرادی را که فقیرتر از آنها و از نظر مادی محتاج تر از آنان هستند، مورد توجه قرار دهند، تا به این ترتیب آنچه را خود دارند با دیگران نیز تقسیم کنند.

سخاوتمندی نه تنها نشانه کمال است، بلکه نشانه بزرگی روح و شرافت خدایی هم است. یکی از سخاوتمندترین کلیساها در قرن اول، کلیسای فیلیپی در یونان بود. پولس رسول بسیار مورد سخاوت آنان قرار گرفته بود. پولس این کلیسا را نیز همانند سایر کلیساهای یونان، از جمله کلیسای در قرتس ایجاد کرد. او در نامه ای که خطاب به کلیسای قرتیان نوشت سعی کرد، به مسیحیان قرتیان بیاموزد که مانند کلیسای فیلیپیان (مقدونیه) سخاوتمند باشند. آنرا طور ذیل توصیف کرد:

”ای برادران، می‌خواهم از آنچه فیض خدا در کلیساهای مقدونیه کرده است آگاه شوید. آنها با زحماتی که دیده‌اند سخت آزموده شده‌اند و با وجود این که بسیار غریب بودند، از خوشی فراوان پرشده‌اند و نتیجه این خوشی بذل و بخشش و سخاوتمندی بی‌اندازه آنها بود. من، خود شاهد هستم که آنها به اندازه توانائی خود و حتی بیشتر از آن با علاقمندی به دیگران کمک کردند“ (دوم قرنتیان ۸: ۱-۴).

این مثالی از مسیحیانی است که نه تنها آموخته بودند اهدا کردن نشانه به کمال رسیدن آنان است، بلکه متوجه شده بودند که در کمک به دیگران شرافت و بزرگواری نیز وجود دارد. دیگر آنها از سایرین توقعات نداشتند، بلکه کمک به نیازمندان را یک امتیاز و افتخار میدانستند.

ما بعنوان افرادی گناهکار، مردمی بیچاره و نیازمند بخشش خدا هستیم. در واقع ما گدایانی هستیم که ترحم و برکت او را طلب کردیم. اما بعد از اینکه نجات یافته ایم، ما مورد فیض و برکت فراوان قرار گرفته ایم، همانطور که پطرس به کلیسای قرنتیان گفت: ”خدا شما را بسیار غنی میسازد تا شما از هر لحاظ سسختاوتمند باشید و به این وسیله عده زیادی خدا را برای کاری که ما کرده ایم سپاسگزاری خواهند کرد“ (دوم قرنتیان ۹: ۱۱). شرم آور است که همیشه به سخاوت سایرین وابسته باشیم و از آنان توقع داشته باشیم. ما باید بعنوان مسیحیان، اهمیت مسئولیت‌پذیری و برآوردن نیاز سایرین را که به نسبت ما بیشتر به کمک احتیاج دارند بیاموزیم. در سخاوتمند بودن و برآوردن نیاز سایرین افتخار و شکوهی وجود دارد که همانند بلوغ واقعی روحانی است.

دوازده دلیل برای دادن بخشش

- ۱ - زیرا خداوند سخاوتمند است و ما را به پیروی از خود دعوت میکند. ”چنان که شایسته فرزندان عزیز خدا است، بکوشید که مانند او باشید“ (افسیسیان ۵: ۱).

- ۲ - زیرا عیسی مسیح امر میکند که سخاوتمند باشیم. "به کسی که از تو چیزی می خواهد بخش و از کسی که تقاضای قرض میکند روی نگردان" (متی ۵: ۴۲).
- ۳ - زیرا بخشش، واقعی بودن محبت ما را ثابت میکند. "ایا ممکن است محبت خدا در کسی باشد که از ثروت دنیا بهره مند است ولی وقتی برادر محتاج خود را میبیند محبت خود را از او دریغ نماید؟" (اول یوحنا ۳: ۱۷).
- ۴ - زیرا بخشش یک افتخار و عبادت است. "من، خود شاهد هستم که آنها به اندازه توانائی خود و حتی بیشتر از آن با علاقه به دیگران کمک کردند. و با اصرار زیاد از ما خواهش کردند که در افتخار رفع نیازمندی های ایمانداران شریک شوند" (دوم قرنتیان ۸: ۳-۴).
- ۵ - زیرا اگر اهدا کنیم، دریافت نیز خواهیم کرد. "بدهید و بشما داده خواهد شد، پیمانه درست و فشرده و تکان داده شده ولبریز در دامن شما ریخته خواهدشد، زیرا با هر پیمانه ای که به دیگران بدهید به همان پیمانه، عوض خواهد گرفت" (لوقا ۶: ۳۸).
- ۶ - زیرا در بهشت ثروت روحانی خواهیم اندوخت. "گنجهای خود را بر روی زمین... ذخیره نکنید. بلکه گنجهای خود را در عالم بالا... ذخیره کنید" (متی ۶: ۱۹-۲۰).
- ۷ - زیرا برکت را برای خود تضمین میکند. "بخشیدن از گرفتن فرخنده تر است" (اعمال رسولان ۲۰: ۳۵).
- ۸ - زیرا با بخشش میتوانیم در هنگام نیاز سایرین به آنها کمک کنیم. "تمام ایمانداران با هم همدست و در مال همدیگر شریک بودند. مال و دارائی خود را میفروختند و به نسبت احتیاج هر کس بین خود تقسیم میکردند" (اعمال رسولان ۲: ۴۴-۴۵).

- ۹ - زیرا عده زیادی از فقیران هستند که به کمک ما احتیاج دارند. "تنها پیشنهادی که داشتند این بود که در فکر فقرا باشیم، یعنی همان کاری که من میخواستم انجام بدهم" (غلاطیان ۲: ۱۰).
- ۱۰ - زیرا کلیسای مسیح به حمایت ایمانداران احتیاج دارد. "از این لحاظ شاگردان تصمیم گرفتند هر کس به قدر توانائی خود اعانه ای را برای یاری برادران مقیم یهودیه بفرستد" (اعمال رسولان ۱۱: ۲۹).
- ۱۱ - زیرا مسیحیان خدمتگاران مسیح میباشند و خدمت مسیح به کمک مالی ایمانداران نیاز دارد. پولس رسول میگوید: "خود شما ای فیلیپان، خود میدانید که در ابتدای انتشار انجیل، وقتی من مقدونیه را ترک کردم شما تنها کلیسائی بودید که در قبول مسئولیت دخل و خرج من با من همکاری کردید. حتی زمانی که در تسالونیکی بودم یکی دو مرتبه مبلغی برای رفع احتیاجات من فرستادید" (فیلیپیان ۴: ۱۵-۱۶).
- ۱۲ - زیرا مردم از ما و شما سپاسگزار خواهند بود و برای ما دعا خواهند کرد. "این خدمت شما دلیل بر ایمان شماست و مردم خدا برای آن شکر خواهند کرد، زیرا شما نه تنها به ایمان خود به انجیل مسیح اعترف میکنید، بلکه آنها و دیگران را در آنچه دارید شریک میسازید" (دوم قرنتیان ۹: ۱۳).

فصل چهارم

انتخابهای دیگر

تصمیم گیری یکی از اساسی ترین ارکان زندگی روزمره است. زندگی از تصمیم ساخته شده، بعضی از تصمیم بسیار کوچک میباشند و بعضی، بزرگ. بعضی از تصمیم روش زندگی ما را تغییر می دهند. ما تصمیم میگیریم که چه بخوریم، کجا برویم، چه کسانی را ملاقات کنیم و چه نکنیم و چه نکنیم. ما حتی در مورد بعضی از بزرگترین تصمیم زندگی ما بسیار عمیق فکر نمیکنیم، در حالیکه در مورد موضوعات دیگر قبل از تصمیم گیری به بحثها و مجادلات بی پایان میپردازیم. توانایی تصمیم گیری در ذات هر انسان نهفته است.

سالها پیش، جد ما حوا در باغ عدن با یک تصمیم گیری مواجه شد. ابلیس یک انتخاب را پیش رویش گذاشته بود - میوه را بخورد و یا نخورد. انتخاب کوچکی به نظر میرسید. خداوند بجز از این مورد در سایر موارد به او آزادی کامل داده بود که تصمیم بگیرد، ولی خدا برایش گفته بود: "شما نباید از میوه درختی که در وسط باغ است بخورید" (پیدایش ۳: ۳).

اما ابلیس برای شان گفت: "وقتی شما از آن بخورید چشمان تان باز خواهد شد..." این تصمیم بنظر کوچک میرسید که نتیجه اش میتواند لذت بخش باشد. پس چه باید میکرد؟ حالا بر حوا بود که انتخاب کند.

این بر ماست که هر روز انتخاب کنیم. پس خود ما مسئول نتیجه تصمیم خود هستیم، همانگونه که در آن روز حوا و همسرش آدم مسئول تصمیم گیری نادرست خود بودند و دروازه شرارت را به جهان گشودند. تصمیم ما نیز میتواند پیامدهای بزرگی در قبال داشته باشند.

به همین دلیل ما این بخش را به نگاهی بر تصمیم خود اختصاص میدهیم، تصمیمی که باید در زندگی بگیریم و ما را تبدیل به انسانی میکند که هستیم. بسیاری از این انتخاب های زندگی، در رابطه با اموال و توانایی های ماست، و زندگی خود ما و زندگی سایرین را تحت تاثیر قرار میدهد. آدم و حوا تصمیم درباره شیوه زندگی خود را طوری برگزیدند که تمام تاریخ بشر را متأثر ساخت. تصمیم گرفتن شاید آسان نباشد، اما مهم است که بیاموزیم چگونه تصمیم درست بگیریم.

میتوانیم خودخواهی را انتخاب کنیم

از اشتباه بزرگ آدم و حوا در باغ عدن دیری نگذشته بود، که پسر آنها قائن یکی از تصمیم بزرگ زندگی خود را گرفت و چه اشتباهی بود! قائن بدون دقت هدیه ای از محصول خود را به حضور خدا آورد، اما هنگامی که خداوند هدیه او را نپذیرفت و هدیه برادرش هابیل را که یکی از حیوانات خود برای خداوند قربانی کرده بود پذیرفت، خود خواهی که عمیقاً در او ریشه دوانیده بود به حسادت تلخ تبدیل شد. حسادت شر بزرگی است که امروزه نیز بسیاری از مردم را تباه میکند. قائن آنقدر در باطنش گرفتار کینه شده بود که برادرش را در صحرا بدام انداخت و کشت.

دلیل حسادت قائن چه بود؟ اول این که هدیه ای کوچک به خدا پیشکش کرد، زیرا مایل نبود بهترین اموالش را هدیه کند. این دقیقاً بر عکس برادرش هابیل بود که سخاوتمندانه بهترین چیزی را که داشت به خدا تقدیم کرد. آنگاه خداوند هدیه قائن را رد کرد و این سبب حسادت و خشم وی گشت. و این حسادت او را به قتل برادرش برانگیخت.

خداوند به قائن گفت: “برادرت، هابیل کجاست؟”

قائن به خداوند پاسخ داد: “نمیدانم... آیا من نگهبان برادرم هستم؟” (پیدایش ۴: ۹).

پاسخ سوال قائن این است: “بله تو نگهبان برادرت هستی.” این سخن که کسی بگوید: “من مسئول آسایش برادرم نیستم” نشانه خود خواهی در قلب آنکس است. مسیح گفت: “همدیگر را دوست داشته باشید،” زیرا بعنوان شاگردان مسیح ما در برابر یکدیگر مسئولیت داریم.

قائن بر اساس منطق ضعیف، تصمیم نادرست گرفت. او فکر کرد که مسئول نیست، در حالیکه در نزد خدا او کاملاً مسئول بود. بیاد داشته باشیم که ما مسئول یکدیگر هستیم.

خود خواهی و طمع قائن در سراسر کتاب مقدس در میان مردم رواج یافت. عیسو فرزند اسحاق نیز نمونه ای دیگر از انسان خود خواه و طمعکار است. او در صحرا گرسنه بود. برادرش یعقوب آتش داغ میپخت و عیسو از وی تقاضا کرد که مقداری آتش به او بدهد. “از شدت گرسنگی رمقی در من نمانده است، کمی از آن آتش گرم به من بده” (پیدایش ۲۵: ۲۹).

اما یعقوب با هوش بود و تصمیم گرفت برای بدست آوردن امتیاز اول باری برادرش به او چنه بزند. او گفت: “اول حق اول باری خود را به من بفروش.” بنابراین عیسو مانند مردی شکم پرست برکت نخست زادگی خود را به دور انداخت. چه تصویری از کوتاه بینی، طمع و بی فکری! به راستی این یک تصمیم گیری نادرست بود!

اکثر ما اغلب همین کار را انجام داده ایم و میگوییم: “آنچه را که میخواهم به من بده - آن را همین حالا به من بده.” ما بدون توجه به نیاز دیگران چنین صحبت میکنیم، و با تقاضای آنچه که میخواهیم برکاتی را که خدا مایل است به ما اهدا کند از خود دور میکنیم.

میتوانیم طمع و آزمندی را انتخاب کنیم

هر بار که ما چیزی را میخواهیم که به شخص دیگری تعلق دارد، در حقیقت فرمان دهم خدا را نقض میکنیم.

”نباید به خانه همسایه ات چشم طمع داشته باشی. نباید به ناموس همسایه ات چشم طمع داشته باشی یا به غلام و کنیزش یا گاو و الاغش و یا هر چیزی که به همسایه ات تعلق دارد“ (خروج ۲۰: ۱۷).

پولس رسول گفت که طمع و آزمندی مانند پلیدی شهوت رانی است. ”و چنانکه شایسته مقدسین خدا است، در میان شما چیزی درباره زنا و بی عفتی های دیگر و طمع کاری بر زبان نیاید“ (افسیان ۵: ۳). به آنچه طمع کردن که متعلق به دیگران است، گناه بزرگ میباشد.

یعقوب رسول میگوید که طمعکاری زیرکانه ترین و خطرناکترین گناهان است، زیرا منجر به شرارتهای جدی تر و مضرتر میشود.

”علت نزاع ها و دعوا های که در میان شما وجود دارد چیست؟ آیا علت آنها خواهش های نفسانی شما نیست — خواهش هایی که در تمام اعضای بدن شما در جنگ و ستیز هستند؟ شما به چیزهایی که ندارید چشم می دوزید، برای آن حاضرید دیگران را بکشید. حسد می ورزید، ولی نمی توانید آنچه را که میخواهید به دست آورید، پس با یکدیگر به جنگ و نزاع میپردازید“ (یعقوب ۴: ۱-۲).

این چنین طمع کاری ها در دل بسیاری از شریران جامعه ما نهفته است، یعنی آرزوی داشتن چیزی که به ما تعلق ندارد. آنرا میخواهیم و کوشش می نمائیم به هر نحوی که باشد آنرا به دست آوریم! هوشیار باشید که بعضا آرزوهای کوچک میتوانند منجر به قتل و جنگ شوند.

میتوانیم پول دوستی را انتخاب کنیم

مسیح داستان کشاورزی را که برای بذر افشانی رفت، بیان نمود: او بذرش را پراکنده و دور از هم افشاند و بذرهای روی زمینهای مختلف افتادند. بعضی از دانه ها روی جاده افتادند و پرنده ها آنها را خوردند. بعضی ها روی سنگ افتادند و برای ریشه دوانیدن خاک کافی نیافتند. بنا برین پژمردند و از بین رفتند. دانه های دیگر در میان خارها افتادند، گندم و خار با هم رشد کردند و این باعث خرابی گندم شد.

مسیح گفت: ”معنی و مفهوم این مثل از این قرار است ... دانه هائیکه در میان خارها افتادند بر کسانی دلالت میکند که کلام خدا را میشنوند اما با گذشت زمان، تشویش دنیا و مال و ثروت و خوشی های زندگی، کلام را در آنها خفه میکند و هیچ گونه ثمری نمیاورند“ (لوقا ۸: ۴-۱۵).

این انتخاب نادرست، زندگی بسیاری از پیروان پرشور مسیح را ویران کرده است. در روزگار ما مالکیت ثروت مادی آنقدر شایع و دست یافتنی است که اکثر مردم خوشبختی مادی را یک حق انسانی خویش میدانند. فروشگاه های مملو از کالاهای جذاب و گرانبه است و با براه انداختن تبلیغات وسیع مردم را برای خریداری آن تشویق و ترغیب می نمایند. تعجبی ندارد که موفقیت مادی بزرگترین هدف و آرزوی بسیاری از مردم گشته است.

باید به این نکته توجه کنیم که کتاب مقدس فقر را یک فضل و یا پاکدامنی نمیداند. مسیح آموخت که فقر مادی همانند مادی گرایی است. مسیح به روشنی آموخت که غذا و لباس از جمله ضروریات اولیه یک زندگی معقول و یک حق انسانی است. ”تمام ملتهای دنیا برای بدست آوردن این چیزها تلاش می کنند، اما پدر آسمانی می داند که شما به همه این چیزها احتیاج دارید“ (متی ۶: ۳۲).

اما عشق به پول و ثروت های مادی، آرزوی ثروتمند بودن و تمایل به افزایش سرمایه شخصی، لعنت و مصیبت است که ایمان بسیاری از مردم را ویران ساخته و بسیاری از مردم ثروتمند شدن را هدف زندگی خود قرار داده اند. و این انتخاب نادرست است.

”اما آنانی که در آرزوی جمع کردن مال و ثروت هستند، به وسوسه و دام آرزوهای بی فایده و زیان بخشی که آدمی را به تباهی و نیستی می کشاند گرفتار میشوند، زیرا عشق به پول سر چشمه هر نوع بدی هاست و به علت همین عشق است که بعضیها از ایمان گمراه گشته، قلبهای خود را با رنجهای بسیار جر یحه دار ساخته اند“ (اول تیموتائوس ۶: ۹-۱۰). اخطار های زیادی از این قبیل در کتاب مقدس وجود دارد.

میتوانیم قرضدار بودن را انتخاب کنیم

عده بسیار کمی از مردم هستند که در زندگیشان هیچگاه قرضدار نبوده اند. از طرف دیگر، بسیاری از مردم هیچگاه از زیر قرض خارج نمیشوند، و به نظر بعضی ها افزایش قرض احتمالاً قابل قبول و اجتناب ناپذیر است. فشار و احتیاجات زندگی افراد را مجبور میکند که در موقعیتهای خاص مقدار زیادی پول خرج کنند مثل ازدواج، خرید زمین، ساختن خانه، تحصیلات، ساختن لباس، هزینه های خوراکی و غیره. در چنین مواقعی مردم ناگزیر میباشند که قرض بگیرند. و ما باید خدا را به خاطر اشخاصی که دروقت ضرورت ما را کمک مینمایند، شکر کنیم!

با وجود این کتاب مقدس هشدارهای واضحی در رابطه با قرض را به ما میدهد. زندگی کردن زیر بار قرض مانند دم پشم آلود بچه ببر است که نرم و بازیگوش به نظر میرسد، اما همیشه همانطور آرام و دوستانه باقی نمیماند. بچه ببر بزرگ میشود، پنجه هایش را تیز میکند و ما را تهدید به تکه تکه شدن میکند، مگر اینکه بتوانیم آن را کنترل کنیم. از نظر خدا قرض به عنوان وسیله ای برای رفع احتیاجات در کوتاه مدت

قابل قبول است، اما زندگی زیر بار قرض برای مدتی طولانی قابل قبول نیست و میتواند به مصیبتی تبدیل شود.

- در عهد عتیق مطابق قانون که موسی برای مردم اسرائیل وضع کرد هر هفت سال یکبار باید تمام قرضها پاک میشد(تثنیه ۱۵). این بدان معناست که خداوند به مردمش اجازه داد پول را قرض کرده، اما فقط برای محدود زمانی. سپس باید تمام قرض ها تصفیه شده و هم یکبار دیگر از هر گونه قرض آزاد اعلام شوند. به این ترتیب خدا ثابت کرد که زیر بار قرض رفتن باید راه حلی کوتاه مدت باشد.
- ما مجبوریم که به پیمان خود وفا کنیم. اگر پولی قرض کرده و قول داده اید که آن را برگردانید، ایستادن بر قولتان باید از اهمیت والایی برخوردار باشد. هیچیک از ایمانداران که قرض دار هستند نباید تا زمانی که قرضشان پاک نشده است، دنبال تجملات بروند.
- پولس رسول میگوید: ”هیچ چیزی به کسی قرض نداشته باشید بجز محبت به یکدیگر. کسیکه به دیگران محبت داشته باشد شریعت را بجا آورده است“ (رومیان ۱۳: ۸).

آیا شما قرضدار هستید؟ آیا چیزی را قرض کرده اید (پول یا جنس) که تعهد نموده باشید آنرا پس بر گردانید؟ اگر چنین باشد، در حضور خدا عهد کنید که به قول خود عمل کرده آنچه را که قرضدار هستید بپردازید.

میتوانیم سخاوت را انتخاب کنیم

وهانس مرد بسیار ثروتمندی بود که اولین بار سالها پیش وی را ملاقات کردم. علت ملاقات ما این بود که او پول زیادی داشت و بدنبال راهی میگشت که قبل از مرگش این پول را خرج کند. او نمیخواست که پس از مرگش پولش را برای افرادی بگذارد که آن را بجای خرج کردن در راه پادشاهی خداوند، در راه برآورده شدن خواسته های خودخواهانه خود خرج کنند. بنابراین بدنبال راهی مناسب بود تا پولش را در آن خرج نماید.

او تصمیم گرفت پولش را به اشخاصی بدهد که برای منتشر نمودن پیغام خداوند کار میکردند. این کار باعث میشد عده زیادی بتوانند پیغام انجیل را آموزش داده و موعظه کنند و در نتیجه عده زیادی کلام خدا را دریافت کرده، به مسیح رو آورده و نجات پیدا مینمودند. طی سالهای بعد او برای انتشار پیغام انجیل در میان مردم نیازمند مقادیر زیادی پول خرج کرد. وقتی سرانجام یوهانس فوت کرد، مطمئناً پاداش بزرگی در بهشت بدستش رسید. او تصمیم خوبی برای زندگیش گرفت و بدرستی سرمایه گذاری کرد. او تصمیم گرفت در راه پادشاهی خداوند سخی باشد.

اما کسانی که تصمیم میگیرند سخاوتمند باشند همیشه پولدار نیستند. در حقیقت بیشتر مواقع عکس این قضیه صدق میکند. یک دوست قدیمی ام بیادم میآید که اخیراً نامه ای برایم نوشته بود: ”مدت زیادی پولی نفرستادم چون پول خیلی کمی دارم ... در طی این سالها % ۴۰ از پولم را برای کار خدا داده ام ...“ خداوند سخاوت افرادی را که پول کمی دارند و با این حال تصمیم گرفته اند زندگی سخاوتمندانه ای داشته باشند، گرامی میدارد.

خداوند ما را موجوداتی مختار آفریده، که قدرت تصمیم گیری و هدایت زندگی خود را داریم. و این چه فرصت بزرگی است که به ما عطا شده!

به فیض خداوند ما قادریم در زندگی تصامیمی بگیریم که ما را در قالب مسیح قرار دهد. این بدان معناست که باید از تمام انتخابهای بد زندگی رو گردان باشیم و بر اساس حقایق کتاب مقدس تصامیم درست را اتخاذ کنیم.

فصل پنجم

بهانه آوردن

مسیح ضعف انسان را خوب میشناخت و میدانست که وقتی کسی نخواهد کاری را انجام بدهد چقدر سریع بهانه می‌آورد. او داستان مردی را گفت که ضیافت مفصلی ترتیب داد و عده ای را دعوت کرد (لوقا ۱۴: ۱۶-۲۴).

اولی گفت: ”من قطعه زمینی خریده ام و باید بروم آن را ببینم. لطفاً عذر مرا بپذیر.“
دومی گفت: ”من پنج جفت گاو خریده ام و حالا میروم آنها را امتحان کنم. لطفاً مرا معذور بدار.“

نفر بعدی گفت: ”من تازه عروسی کرده ام و به این سبب نمیتوانم بیایم.“
همه این بهانه ها، ضعیف بودند و مسیح به کسانی که چنین راه نادرست را پیش میگیرند، هشدار میدهد که در ضیافت آسمانی راه نخواهند داشت. آنها برکت خدا را از دست خواهند داد.

کلیسای عهد جدید در فیلیپی، کلیسای ثروتمندی نبود. پولس رسول درباره فقر شدید آنها صحبت میکند: ”آنها با زحماتی که دیده اند سخت آزموده شده اند و با وجود این که بسیار غریب بودند، از خوشی فراوان پر شده اند و نتیجه این خوشی بذل و بخشش و سخاوت‌مندی بی اندازه آنها بود“ (دوم قرنتیان ۸: ۲). آنها با عزت و افتخار عیسی مسیح را پیروی کردند. آنها رشد کرده و به جماعت سخاوت‌مندی تبدیل شده بودند که آماده بودند به پولس و همچنین به سایر نیازمندان کمک کنند. آنها از فقرشان بعنوان بهانه ای برای اهدا نکردن استفاده نمی‌کردند.

اما مسیحیان قرن‌تس چنین نبودند، آنها دقیقاً بر عکس مسیحیان فیلیپی بودند! آنها از هر بهانه ای استفاده میکردند، تا پولس را قانع کنند که لازم نیست برای پیشبرد کار خداوند پولی بدهند. پولس در نامه اش به قرن‌تیان جواب تمام بهانه های آنها را میدهد. بیایید ببینیم آیا اینها بهانه های خوبی برای ندادن پول و اموال برای کمک به سایرین است.

بِهانه اول: توان اهدا کردن را ندارم زیرا بسیار فقیر هستم.

بنظر میرسد که مسیحیان قرن‌تس به پولس رسول گفته باشند که فقیرتر از آن اند که بتوانند پولی بدهند. بنابراین پولس در باره سایر مسیحیان فقیر صحبت کرد، یعنی در باره مسیحیان کلیسای فیلیپی که در شمال یونان موقت داشت. مسیحیان فیلیپی علیرغم فقرشان به اندازه توانائی خود و حتی بیشتر از آن با علاقه به دیگران کمک کردند (دوم قرن‌تیان ۸: ۳). به این ترتیب خدا جلال می یابد.

فیلیپیان ثابت کردند که واقعاً فقیر نبودند. درست است که پول زیادی نداشتند، اما در بخشش غنی بودند. آنها یکی از رازهای برکت واقعی را کشف کرده بودند. "این کار ایشان بیش از توقع ما بود، زیرا اول خود را به خداوند تسلیم کردند و بعد مطابق اراده خدا خود را در اختیار ما گذاشتند" (دوم قرن‌تیان ۸: ۵). آنها میفهمیدند که اهدای پولشان برای کمک به دیگران یک امتیاز و افتخار بود. آنها آموخته بودند که بخشش مانند "صدقه دادن" نیست که صواب داشته باشد، بلکه پاسخی روحی، قلبی و عملی به محبت خدا است.

شکی نیست که آنها تعلیمات مسیح خداوند را بیاد داشتند. روزی مسیح با شاگردانش در معبد بودند و مردمی را تماشا میکردند که هدایای خود را با احترام در صندوق معبد می‌گذاشتند، ثروتمندان از پیش صندوق اعانه می‌گذاشتند و در آن پول می انداختند. سپس همانطور که مسیح و شاگردانش تماشا میکردند، بیهوده زن فقیری پیش آمد و دو سکه

انداخت. مسیح گفت: ”بدانید که در واقع این بیوه زن فقیر بیش از همه پول داده است چون آنان از آنچه که برای آن مصرفی نداشتند دادند، اما او با وجود تنگدستی، تمام خرج معاش خود را داده است“ (لوقا ۲۱: ۴-۱).

خداوند به قلب نگاه میکند و صداقت تعهد ما را نسبت به خویش میبیند. خداوند کسانی را که فقط میتوانند مقدار کمی اهدا کنند مورد داوری قرار نمیدهد، و کسانی را که بیشتر میدهند مورد ستایش قرار نمیدهد. اما توقع دارد که تمام ما در حد توان خود اهدا کنیم.

هیچکس آنقدر فقیر نیست که نتواند سخاوتمند باشد. در هیچ جای انجیل خداوند کسی را برای بخشش بیش از اندازه اموالش محکوم نکرده و مورد انتقاد قرار نداده است. اما اغلب، انجیل در مقام محاکمه افراد حریص و خودخواه برمی آید. از نظر خدا هیچکس آنقدر فقیر نیست که نتواند چیز بدهد.

بِهانه دوم: بگذار دیگران بدهند، من توانایی دیگری را دارم.

مسیحیان قرن‌تس نمیخواستند پولشان را بدهند. آنها میگفتند که توانایی هایی و اعطایای روحانی بسیار دارند که به کلیسا اهدا کنند. آنها ”در هر امر دیگری از قبیل ایمان، سخنرانی، درک حقیقت، جدیت و محبت ... غنی بودند“ (دوم قرنتیان ۸: ۷) و چنین می پنداشتند که این کافی است. آنها از نظر روحی پرشور بودند، میدانستند چگونه موعظه کنند و چگونه دعا کنند و ایمانشان را شهادت دهند. آنها فکر میکردند که به یکدیگر و به پولس محبت دارند. بیش از این چه لازم بود؟

اما پولس گفت که این کافی نیست: ”میخواهم که در این امر خیر هم غنی باشید. خوب است عطایای روحی زیادی داشته باشیم که در خدمت مسیحیت باشد، شاگردان کتاب مقدس باشیم، احتمالاً یک مبشر مسیحی باشیم و در دعا پر حرارت باشیم. اما خدا

بیشتر از این می‌خواهد. پولس به کلیسای قرنتیان گوشزد میکند که باید بیاموزند که پول را نیز اهدا کند و در سخاوتمندی جدی باشند.

پولس برای این حرف دلایل خوبی دارد. ابتدا او می‌گوید: "این را به عنوان یک فرمان به شما نمی‌گویم، بلکه می‌خواهم با اشاره به جدیت دیگران محبت شما را بی‌آزمایم" (دوم قرنتیان ۸: ۸). ثابت کنید که اشخاصی واقعاً روحانی هستید. کافی نیست که بگوئید محبت دارید، مگر اینکه با سخاوتمندی تان آن را ثابت کنید.

دوم، پولس نمونه عیسی مسیح را به ایشان نشان داده می‌گوید: "شما می‌دانید که عیسی مسیح، خداوند ما چقدر بخشنده بود. گرچه دولتمند بود، بخاطر شما خود را غریب ساخت تا شما از راه فقر او دولتمند شوید" (دوم قرنتیان ۸: ۹). یعنی از مسیح درس بگیرید.

بهانه سوم: اما من پولدار نیستم. هدیه من بدرد نخواهد خورد.

پولس رسول میدانست که مسیحیان قرنتی این بهانه را می‌آورند. حتی امروزه بعضی از مسیحیان گمان می‌کنند که سخاوت فقط به عهده ثروتمندان است. اما پولس می‌گوید که این فکر اشتباه است.

"اگر کسی واقعا می‌خواهد کمک کند، هدیه او را نسبت به آنچه دارد می‌پذیرد، نه مطابق آنچه ندارد" (دوم قرنتیان ۸: ۱۲).

مسلم است نمیتوانید آنچه را که ندارید ببخشید. بعضیها فقط میتوانند مقدار کمی هدیه کنند در حالیکه دیگران میتوانند به آسانی زیاد تر بدهند. خداوند به قلب شما نگاه میکند و میبیند آیا مایل هستید آنچه را که نمیتوانید بدهید، چه کم و چه زیاد. مطابق آنچه که از توان کس بر میآید، قابل قبول است. ارزش واقعی هدیه در آنچه که هدیه میتواند انجام دهد نیست، بلکه ارزش واقعی آن در قلب هدیه دهنده است. در هر حال اگر صد نفر هر یک فقط سهم کوچکی بدهند،

هدیه شان تبدیل به هدیه ای بزرگ خواهد شد که میتواند کاری بزرگ برای خدا انجام دهد.

آنچه خدا را ناراحت میکند این است که ببیند شما تمایل به اهدا ندارید و فقط میخواهید آنچه را که دارید برای خود نگاه کنید و انتظار دارید دیگران باز هم به شما بیشتر بدهند! چنین تمایلی نه تنها باعث رنجش خدا خواهد شد بلکه سبب میشود که او برکات خود را به شما ندهد.

بهانه چهارم: ثروتمندان زیادی در دنیا وجود دارند، بگذار آنها اهدا کنند.

از نظر بسیاری از ما این بهانه بسیار منطقی میباشد! ما همه میدانیم که مسیحیان ثروتمندی وجود دارند و به خود تلقین کرده ایم که آنها وظیفه دارند به ما کمک کنند. و وظیفه ما دریافت پول آنهاست.

اما این طرز فکر چه بی عزتی بزرگی نسبت به ایمانداران و کلیساهایی است که فقط میخواهند دریافت کننده باشند و تمایلی به اهدا ندارند. این کلیساها از برکات خدا محروم میمانند. کلیسای قرنیتان نیز چنین کلیسایی بود.

پولس رسول به آنها چنین میگوید:

”بیاد داشته باشید، کسی که بذر کم بکار محصول کم درو خواهد کرد و آن که دانه بسیار بکار محصول فراوان درو خواهد نمود“ (دوم قرنتیان ۹: ۶).

دهقان که مقدار کمی بذر در زمینش بکار، محصول کم برداشت خواهد کرد و دهقان که دانه های زیاد در زمینش بکار، محصول بزرگی درو خواهد کرد. این یک منطق عمومی است. شخصی که خسیس است و کم هدیه میدهد میزان کمی نیز دریافت خواهد کرد. شخصی که سخاوتمند و سخی است نیز در نهایت بسیار ثروتمند خواهد بود.

چند سال پیش گروهی از رهبران مسیحیان آفریقای شرقی از کلیساهای خارجی خواهش کردند که حمایت‌های مالی خویش را به ایشان متوقف سازند. با سپاسگذاری از آنچه که تا به حال دریافت کرده بودند، اکنون گفتند: "کافی است! ما برکت محصول خود را می‌خواهیم." آنچه که بعداً پیش آمد حیرت آور بود. آنها بزودی دریافتند که نه تنها قادر به پرداخت حقوق خود هستند، بلکه توانستند ساختمان کلیسایشان را نیز بسازند و وسایل نقلیه برای خود خریدند و از اندوخته خود طرح ساختن کلیساهای دیگری را نیز کشیدند. و سپس شروع به فرستادن پول به سایر کشورهای آفریقایی برای کمک به کودکان بی خانمان کردند.

بهانه پنجم: اگر هدیه بدهم دیگر چیزی برای خودم نمی‌ماند!

چه سخن دروغی! اما کلیسای قرن‌تین این آخرین بهانه را برای پولس آوردند "اگر ما هر چه داریم به دیگران بدهیم، برای خود ما به اندازه کافی نمی‌ماند!" در این هنگام پولس از دست آنها خسته شده بود. اگر قرن‌تین مایل به هدیه دادن نبودند فقط به خود لطمه می‌زدند. خداوند هدیه‌های را که با بی میلی شکوه گذاری همراه باشد نمی‌پذیرد. پولس می‌گوید: "خداوند هدیه دهنده شاد را دوست دارد." پولس برای این بهانه آنها که عنوان کردند اگر به سایرین هدیه بدهند، خود فقیر خواهند شد، دو پاسخ دارد. اول، هیچکس نباید چیزی را هدیه بدهد که در اختیار ندارد. اگر کم دارید، کم هدیه بدهید.

دوم، خداوند هیچگاه اجازه نمی‌دهد یک شخص سخاوتمند فقیر بماند. "خدا که دانه را برای کاشتن و نان را برای خوردن فراهم می‌سازد، دانه بخشندگی را برای شما مهیا و آنرا چند برابر خواهد ساخت تا محصول کارهای خیر و نیکوی شما فراوان باشد. خدا شما را بسیار غنی می‌سازد تا شما از هر لحاظ سخاوتمند باشید و به این وسیله عده زیادی

خدا را برای کاری که ما کردیم سپاسگزاری خواهند کرد“ (دوم قرنتیان ۹: ۱۰-۱۱). خدا
به وعدۀ خود عمل خواهد کرد!

فصل ششم

برکت هدیه دادن

بسیار لذت بخش است که شخصی نزد شما بیاید و مقدار زیادی پول در دستتان بگذارد، بخصوص اگر بگوید: ”این قرض نیست، بلکه یک هدیه است. آن را بگیرید و خرج کنید. همه اش از خود تان است.“ آیا خوشی بزرگتر از این است؟ البته بجز اینکه مقدار بیشتری در میان باشد! اما مسیح گفت: ”بخشیدن از گرفتن فر خنده تراست“ (اعمال رسولان ۲۰: ۳۵).

بنابراین اگر دریافت هدیه، برکت بزرگ است، راهی برای گرفتن برکت بزرگتر نیز وجود دارد، یعنی هدیه دادن به شخصی دیگر. هر مسیحی واقعی باید در زندگی خود بدنبال برکت خداوند باشد، و این یک راه تضمین شده برای گرفتن برکت است. خود عیسی مسیح آن را وعده داده است.

پس در صورتیکه سخاوتمند باشیم، خداوند عیسی چه برکتی را به ما وعده داده؟ کتاب مقدس بعضی از این برکات را با توضیحات بیشتر ذکر میکنند.

وعده خدا برای سخاوتمندان

مردم بومی استرالیا از اسلحه ای مخصوص برای کشتن پرندگان و حیوانات استفاده میکنند. این وسیله ”بومرنگ“ (boomerang) نامیده شده و از چوب ساخته میشود. وسیله ای پهن و خمیده شده است و شکارچی ماهر یک سر آن را بدست گرفته و آن را در هوا پرتاب میکند. این وسیله میچرخد و پرواز میکند و چنانچه بدرستی پرتاب شده باشد به هدف اصابت کرده و بطرز حیرت انگیزی در هوا چرخیده و به دستان منتظر

تصویر بوم رنگ (boomerang)



شخصی که آن را پرتاب کرده بر میگردد. اسلحه ای است که آنرا هرگز از دست نمیدهید، چون همیشه به شما بر میگردد.

خداوند یک ”بومرنگ روحانی“ را به مردم خود وعده کرده است. اگر ما یاد بگیریم که هدیه بدهیم، این هدیه نه تنها کار نیکوی خود را در برابر سایرین انجام میدهد، بلکه بالاخره به سوی ما واپس بر میگردد.

مسیح گفت: ”بدهید بشما داده خواهد شد، پیمانۀ درست و فشرده و تکان داده شده و لبریز در دامن شما ریخته خواهد شد، زیرا با هر پیمانۀ ای که به دیگران بدهید با همان پیمانۀ، عوض خواهید گرفت“ (لوقا: ۳۸).

اگر شما هدیه دادن به دیگران را شروع کنید، این وعده ای است که خداوند به شما داده است. میتوانید مطمئن باشید که در مقابل آن دریافت خواهید کرد. در واقع او وعده داده که شما به فراوانی بیش از آنچه داده اید، دریافت خواهید کرد. این چه سرمایه گذاری خوبی است!

البته این نباید، انگیزه ای برای هدیه دادن باشد. احمقانه خواهد بود اگر پول خود را بخاطر اینکه پیسه دارتر شویم، بدهیم. خداوند تضمین نکرده آنچه را که می دهید فوراً به شما برگرداند، و یا وعده نداده که چگونه به شما پاداش خواهد داد. اما به روشنی گفته آنچه را که برای جلال خداوند می دهید، هرگز به هدر نخواهد رفت و نه هم بخاطر آن فقیرتر نخواهید شد.

اشتباه است که کسی فکر کند میتوان با سخاوتمند بودن و بخاطر هدایایش با دیگران و یا حتی با خدا وارد معامله بشود. بعضی از مردم تصور دارند که وقتی نسبت به سایرین سخاوتمند هستند، میتوانند در مقابل آن توقعی داشته باشند و یا تقاضایی کنند. مسیح میگوید: ”و اما تو، هر گاه صدقه میدهی، نگذار دست چپ تو از آنچه دست راست می کند، آگاه شود“ (متی ۶: ۳). این ممکن است به آن معنا باشد که وقتی هدیه میدهیم، نباید ”بازگشت“ آن را محاسبه کنیم و توقعی داشته باشیم.

علاوه بر این، هدیه دادن مسیحی با نذر کردن متفاوت است. ممکن است شخصی نیازی شدید و یا آرزویی داشته باشد، ممکن است فرزندش بیمار باشد، بنابراین او با خدا پیمان مینماید که در صورت شفای فرزندش، مقداری پول به عنوان نذر بدهد. یا ممکن است برای نشان دادن خلوص نیتش پولی در صندوق اعانات ببندد، به این امید که خدا خواسته اش را مستجاب سازد. البته خوب است که برای گرفتن پاسخ دعا جشن بگیریم و حتی پول را به دیگران تقسیم کنیم. اما نباید پول خود را با انگیزه گرفتن چیزی از خدا بدهیم. اما در اصل، دادن هدیه نوع پرستش خداوند است که توسط آن محبت خود را به خداوند ابراز مینماییم.

با این حال، کتاب مقدس به روشنی به ما میاموزد که برای هدایای واقعی پاداش هایی وجود دارد.

پاداشهای هدیه دادن

برکات ”بومرنگ“ خداوند همیشه مادی نیستند. در واقع برکات بزرگتر، آرامش و خشنودی درونی شخص اهدا کننده میباشد.

بیایید یکبار دیگر به مسیحیان فیلیپی نگاه کنیم، که نمونه ای عالی از مسیحیان سخاوتمند و در واقع یک کلیسای سخاوتمند هستند. آنها مردمان بودند سخاوتمند و

عادت داشتند با شور و اشتیاق زیاد حتی از حد توان خود زیاد تر بدهند. ای کاش امروز کلسیاهای زیادی مانند کلسیای فیلیپیان در سراسر جهان میبودند!

پولس گفت: ”من شهادت میدهم که آنها فراتر از توانشان ... اهدا کردند ... آنها مرتباً از ما تقاضا میکردند که این افتخار را داشته باشند در کمک به دیگر ایمانداران شریک شوند. آنها هدیه کردند و با ”شوق وافر“ به هدیه دادن ادامه دادند. آنها واقعاً به راز برکات درونی پی بردند.“

آنانیکه بخاطر منافع دیگران و یا گسترش ملکوت خداوند هدیه میدهند به برکات ذیل برخوردار میشوند.

- از آرامش درونی بهره میبرند چون میدانند که مطیع اراده خدا بوده اند.
- خشنودی را تجربه میکنند که چگونه اموالشان مورد استفاده مردم نیازمند قرار میگیرد و باعث خوشحالی مردم محتاج میشود.
- این رضایتمندی را دارند که میدانند هدایایشان وسیله شده تا گمشده ای به پادشاهی خداوند برگردد.
- رضایت عمیق و درونی ناشی از انجام کاری برای دیگران، فقط برای بیان محبت واقعی مسیحی.

اینها فقط بعضی از برکاتی هستند که به قلب یک مسیحی واقعی میایند که آموخته است با خوشحالی و اشتیاق هدیه کند.

پادشاهی در ابدیت

روزی جوان ثروتمندی بخاطر نجات یافتن نزد مسیح آمد و پرسید: ”چه کار نیکی باید بکنم تا بتوانم حیات ابدی را بدست آورم؟“ او نه تنها ثروتمند بود، بلکه یک یهودی درستکار نیز بود که در انجام قوانین و دستورات خداوند بسیار وفادار بود. مسیح دید که در زندگی او بتی وجود دارد که قبل از دست یافتن به برکت نجات باید آن را بشکند. عشق او نسبت به پول وی را از دریافت وعده جاودانگی باز میداشت.

بنابراین مسیح به او گفت: "اگر میخواهی کامل باشی، دارائی خود را بفروش و به بیچارگان بده، تا برای تو در عالم بالا ثروتی اندوخته شود. آن وقت بیا و از من پیروی کن."

مرد جوان ثروتمند ناراحت شد چون نمیخواست ثروتش را از دست بدهد. دارائی کنونیش برایش مهمتر از وعده گنجی در آسمان بود، بنابراین او پشتش را به مسیح کرد "و با دل افسرده از آنجا رفت زیرا ثروت بسیار داشت" (متی ۱۹: ۲۲-۱۶).

هدیه دادن برای کسانی که خود را پیروان مسیح میدانند یک انتخاب نمی باشد بلکه مسیح به ما دستور داده که چنانچه میخواهیم از برکات کامل نجات و پاداش آسمانی بهره ببریم، باید هدیه بدهیم. یکبار دیگر مسیح به شاگردانش گفت: "آنچه دارید بفروشید و به فقرا بدهید و برای خود بکسهای آماده کنید که کهنه نمیشود و گنجی در آن عالم ذخیره نمائید که هیچ کم نمیشود و هیچ دزدی نمیتواند به آن دست برد بزند و موریانه آن را تباه نمیکند" (لوقا ۱۲: ۳۳).

برای کسانی که قلبشان را به گنج جاودانی سپرده اند، پاداشی در آسمان در نظر گرفته شده، "گنجهای خود را بر روی زمین ... ذخیره نکنید ... بلکه گنجهای خود را در عالم بالا ذخیره کنید" (متی ۶: ۱۹-۲۰). واقعیت این است که ما نمیتوانیم هیچیک از اموال دنیوی خود را به جهان ابدیت ببریم. اما میتوانیم برای خود در آسمان گنجی جاودانی ذخیره کنیم و این کار با اهدای آنچه که بر روی زمین داریم، ممکن است! این نصیحت نیکو از جانب مسیح است برای تمام هوشیاران و آنانی که میخواهند ثروتمندان واقعی باشند.

مردم خدا را ستایش کرده و برای شما دعا خواهند نمود

نگاهی داشتیم بر آنچه که پولس رسول در باره اهمیت هدیه دادن به کلیسای قرنتیان گفت. وی همچنان که به پایان اندرز هایش میرسید، چند نکته نهایی را برای

تشویق آنان به هدیه دادن بیان کرد. دو برکت دیگر نیز وجود دارد که ناشی از سخاوت مردم ایمان دار است.

ابتدا پولس میگوید: ”مردم خدا را برای آن شکر خواهند کرد، زیرا شما نه تنها به ایمان خود به انجیل مسیح اعتراف میکنید، بلکه آنها و دیگران را در آنچه دارید شریک میسازید“ (دوم قرنتیان ۹: ۱۳).

ما هرگز نباید بخاطر این پول هدیه دهیم تا مورد ستایش مردم قرار گیریم. در کار هدیه دادن ”تظاهر و خود نمایی“ اشتباه است. مسیح به کسانی که برای خود نمایی و شناخته شدن به عنوان افراد سخاوتمند به سایر مردم هدیه میدهند، هشدار میدهد که در نزد خدا پاداشی نخواهند داشت. ”هشیار باشید که کارهای نیک خود را برای جلب توجه مردم پیش چشم دیگران انجام ندهید زیرا اگر چنین کنید هیچ اجری نزد پدر آسمانی خود ندارید“ (متی ۶: ۱).

اگر هدف سخاوت ما جلب توجه، توصیف و تمجید دیگران باشد، پس بدانید که ما همان راه جامعه را دنبال میکنیم که در آن مردم کوشش میکنند بخاطر سخاوتمندیشان ”نام و نشان“ بدست بیاورند. وقتی که بجای خداوند، منتظر شنیدن ”آفرین“ از دهان مردم هستیم، هنوز در قید تاییدات مردم میباشیم.

اما اگر افرادی سخاوتمند باشیم، به هر حال مردم از آن اطلاع خواهند یافت. آنان که از شما هدیه ای دریافت میکنند قدر شناس خواهند بود و فقط از شما بخاطر مهربانیتان تشکر نمیکنند، بلکه خدا را نیز بخاطر آنچه از طریق شما به آنها بخشیده سپاس میگویند. پولس میگوید: ”خوب است که وقتی مردم میبینند شما مطیع فرمان خدا بوده اید، او را ستایش میکنند.“

مسیح میگوید: نور شما نیز باید همین طور در برابر مردم بدرخشد تا کارهای نیک شما را ببینند و پدر آسمانی شما را تمجید نمایند (متی ۵: ۱۶). اگر کسی بخاطر این کارهای نیک انجام میدهد تا مورد ستایش مردم قرار گیرد، او هنوز پیام مسیح را درک

نکرده است. اما از طرف دیگر، زمانیکه مردم زندگی واقعی یک شخص مسیحی را میبینند، خواه نا خواه خدا را ستایش خواهند کرد.

برعلاوه، "آنان این لطف بزرگی را که خدا به شما کرده است خواهند دید و با محبت و علاقه زیاد، برای شما دعا خواهند کرد" (دوم قرنتیان ۹: ۱۴). آیا میخواهید مردم برایتان دعا کنند؟ میتوانید مطمئن باشید دوستان بسیاری خواهید داشت که بخاطر محبتتان نسبت به آنها سپاسگذار شما خواهند بود، و اگر با سخاوتمندان آنان را مورد برکت قرار داده اید برای آسایش شما دعا خواهند کرد.

پولس خود برای کلیسای فیلیپی دعا کرد، زیرا آنان با هدایای خود سخاوتمندانه نیازهای شخصی وی را بر آورده ساخته بودند، "هر وقت که شما را به یاد میآورم خدا را شکر میکنم و در تمام دعاهایم نام شما را با شادمانی ذکر میکنم." و زمانی که او دچار مشکل بود آنها با کمکهای مالی خود به او کمک کردند. او میگوید: "حتی زمانی که در تسالونیکه بودم یکی دو مرتبه مبلغی برای رفع احتیاجات من فرستادید. من طالب پول شما نیستم، بلکه میخواهم به اجر نیکو کاری شما افزوده شود" (فیلیپیان ۱: ۴ و ۴: ۱۶).

شاید این امر برای ما عجیب بنماید که شخصی با هدیه دادن ثروتش، ثروتمند تر شود. اما کتاب مقدس این را به ما میآموزاند که اگر افتخار بخشش سخاوتمندانه به دیگران را بیآموزیم، هیچگاه فقیرتر نخواهیم شد. بلکه بر عکس با اطاعت از خدا و برکت دادن به سایرین، از نظر روحی غنی تر و شادتر خواهیم شد و بسیاری از مردم خدا را بخاطر ما و شما سپاس خواهند گفت.

فصل هفتم

به کسانی که زیاد بخشیده شده

”هرگاه به کسی زیاد داده شود از او زیاد مطالبه خواهد شد و هرگاه به کسی زیادتیر سپرده شود از او زیادتیر مطالبه خواهد گردید“ (لوقا ۱۲: ۴۸).

گاهی بنظر میرسد که جهان امروز بین کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر تقسیم شده است. اما در واقع نمیتوان جهان را به این سادگی تقسیم کرد و حقیقت این است که معمولاً ثروتمندان و فقرا کنار هم زندگی میکنند.

بسیاری از جوامع و زیادتیر از مردم بسیار فقیرند و با درآمدی ناچیز زندگی میکنند. بسیاری از کارگران سعی میکنند با معاش ناچیز روزانه خویش، نیازهای خانواده های بزرگ را تامین کنند، و قیمتها پیوسته رو به افزایش هستند. در عین حال در تمام کشورها افراد بسیار ثروتمندی هستند که در کنار فقر زندگی میکنند، در هر شهری منطقه ای وجود دارد که ثروتمندان خانه های بزرگ و مکانهای مجللی ساخته اند تا به همسایگانشان نشان دهند که غنی هستند. یکده از خانواده ها خویشاوندانی دارند که خارج از کشور کار میکنند و برای ایشان مقدار پول میفرستند. همه فقیر نیستند.

چه در بین فقرا باشیم و چه در بین ثروتمندان، باید از خطر دلسوزی به حال خود آگاه باشیم. ممکن است که فقر خود را بزرگ جلوه دهیم، و آن را بهانه ای برای کمک نکردن به سایرین قرار دهیم. بعضی از مردم عمداً خود را فقیر نشان میدهند تا ثروتمندان را متقاعد سازند به آنان کمک کنند. البته این راه مسیح نیست.

به این موضوع فکر کنید. آمریکا کشوری است ثروتمند، جایی که درآمدها بالاست و عده زیادی مردم زندگی مرفع و تجملی دارند. بنابر این مردمیکه در کشورهای فقیر

زندگی میکنند خود را با مردم آمریکا مقایسه کنند، احتمالاً خود را با آنان فقیرتر بدانند. به این ترتیب بسادگی میشود چنین نتیجه گیری کرد که آنها یکی ثروتمندان هستند، وظیفه دارند به ما فقرا کمک کنند.

اما، این خطر وجود دارد مردمی که از دیگران فقیرتر باشند، احساس بیچارگی کنند. و از آنجایی که فکر میکنند وضعیت بدتری دارند، در همان وضعیت نیز باقی میمانند. ممکن است که در مقایسه با ملتهای ثروتمند غربی، شیخهای نفت عرب و تجاران شرق دور، فقیر و نیازمند باشند. ولی آیا این به آن معناست که نباید سخاوتمند باشند؟

حتی اگر فقیر باشیم و برای خود احساس تاسف کنیم که به نسبت دیگران از امتیازات کمتری برخوردار هستیم، باید در کشور خود به کسانی فکر کنیم که از ما فقیرترند و برای آنها دعا کنیم. همین حقیقت که ما و شما به این نوشته دسترسی داریم و میتوانیم آنرا بخوانیم ثابت میکند که ما مردمی بهره مند هستیم. بیایید خدا را برای آنچه که داریم شکر کنیم و بیایید این سپاسگذاری را با سخاوتمندی خود ابراز کنیم.

نظارت

کتاب مقدس به ما میگوید که هر مزیتی که داشته باشیم چه فقیر باشیم و چه ثروتمند، ما در حقیقت، ناظرین امتیازات خود هستیم. درک کردن این موضوع بسیار مهم است. مسیح درباره نظارت تعلیمات بسیار داده است، اما در این مورد یک داستان مشهوری وجود دارد.

عیسی به شاگردانش فرمود: "شخصی ثروتمندی ناظری داشت و شکایاتی به او رسید که آن ناظر از دارائیش سوء استفاده میکند" (لوقا ۱۶: ۱-۹).

این اتهام جدی بود! ناظر شخصی بود که مالکش، مسئولیت تمام اموال و تجارت خویش را به وی سپرده بود. او به این دلیل که میتوانست مورد اعتماد قرار بگیرد یک مستخدم بود. اگر یک مستخدم مورد اعتماد نباشد، به زودی اخراج خواهد شد.

در داستان مسیح، ناظر مردی باهوش بود و میخواست ازین شرایط بد، استفاده اعظمی نماید. آنچه که او انجام داد کاملاً غیر صادقانه بود و مسیح هیچ جا او را بخاطر عمل غیر صادقانه اش تمجید نمیکند. او میدانست که احتمالاً شغلش را از دست خواهد داد، اما نمیخواست دوستانش را از دست بدهد. بنابراین بدون اینکه به اربابش بگوید با مشتریان اربابش که به او قرضدار بودند معامله ای کرد. او با هوش بود و به همین دلیل اربابش او را ستود.

”آن ارباب ناظر نادرست را به خاطر اینکه چنان زیرکانه عمل کرده بود آفرین گفت.“

در این داستان او برای امانت داری نمره صفر گرفت (و حتی بخاطر عمل ناصادقانه اش مستحق مجازات بود)، اما او هوش و ذکاوت خویش نمره ۱۰۰ گرفت و برای آنچه که بخوبی انجام داد ستایش شد. در این داستان درس مهمی وجود دارد که در فهم صحیح پاسخ به امتیازات ما کمک خواهد کرد: مسئولیت، زیرکی و جوابگویی.

الف - مسئولیت

اولین درس برای درک نظارت این است: آنچه را که در روی زمین داریم در حقیقت از آن خود ما نیست، بلکه خداوند آن را بصورت امانت به ما سپرده است. همه چیز متعلق به اوست، و آن را به ما قرض داده است. در روز قیامت آنچه را به ما داده پس خواهد گرفت.

یکبار من خانه نسبتاً بزرگی را به کرایه گرفتم. کرایه را ماهانه میدادم، و تا وقتی کرایه میدادم اجازه اقامت در آن خانه را داشتم. اما سامانهای زیادی نیز در خانه بود که به من تعلق نداشت، اما مالک تا زمانی که به آنها احتیاج نداشت این وسایل را در خانه

گذاشته بود، یک روز صاحب خانه آمد و گفت که به وسایلی احتیاج دارد، و از آنجائیکه آنها به من تعلق نداشتند مجبور بودم آنها را به او بدهم.

اما اول او میخواست بداند که آیا من از آنها صحیح نگهداری کرده ام یا نه. از من سوال کرد که آیا لیست کاملی از این وسایل که از او به امانت گرفته بودم دارم یا نه؟ آیا تمام آنها سالم بودند؟ در واقع چند تا را گم کرده بودم و چند چیز نیز شکسته بودند. از آنها بطور صحیح نگهداری نکرده بودم و مجبور بودم بهای آنان را بپردازم. من برای آنچه که به من قرض داده بود، ناظری درستکار نبودم.

گاهی خدا به ما یادآوری میکند که زندگی ما، سلامت ما و تمام آنچه داریم به ما به امانت سپرده شده. او یادآوری میکند که ما بدون هیچ چیزی به این دنیا آمديم و وقتی برويم، چیزی با خود نخواهيم برد. در عين حال مسئول آنچه که به ما سپرده شده ميباشيم.

کتاب مقدس انباشته از چنین گوشزدهایی است. مسیح داستانی را بیان میکند در باره یک شاه که به سفر دور می‌رود و مسئولیت اموالش را به مستخدمینش می‌سپارد.

”ملکوت خدا مانند مردی است که میخواست سفر کند، پس غلامان خود را خواسته تمام ثروت خود را به آنان سپرد و به هر یک به نسبت توانائیش چیزی داد، به یکی پنج سکه طلا و به دیگری دو سکه و به سومی یک سکه و پس از آن به سفر رفت“ (متی ۲۵: ۱۴-۳۰).

پیام روشن است. خدا به ما مسئولیت داده، و از ما توقع دارد که امانت دار باشیم. ما در آزمایش قرار داریم. ما ناظر تواناییها و استعدادهای طبیعی خود هستیم. ما ناظر اموال، پول و حتی زندگی خود هستیم. تمام آنها چند سالی به ما امانت سپرده شده اند و ما ناظرین و مدیران اموال ارباب خود هستیم. توقع می‌رود که ناظرین و مدیران قابل اعتماد و مسئول باشیم.

”البته یک ناظر باید قابل اعتماد باشد“ (اول قرن‌تین ۴: ۲).

ب - زیرکی

مسیح نه تنها مدیریت مسئولانه را آموزش میدهد، بلکه نصیحت مفیدی در مورد تجارت نیز ارائه میکند. ممکن است درک داستان ناظر نادرست برای بسیاری از مسیحیان مشکل بنظر برسد، چون مسیح معاملات زیرکانه تجارتي را تمجید میکند.

مردی را به نام جان میشناسم که تجارت خانوادگی موفق داشت و سود خوبی بدست میآورد. شرکت دیگری بهایی زیادی برای خرید تجارت او به وی پیشنهاد کرد. او مانند هر تاجر خوب دیگر، پیشنهاد آنها را رد کرد. بنا برین آنها مبلغ را بالا بردند. آنها به چانه زدن با هم ادامه دادند تا سرانجام او قبول کرد شرکت را با سود خوبی بفروشد. این کار نادرست نیست بلکه تجارت هوشیارانه است و خوب است یاد بگیریم که اینچنین باشیم و تا حد ممکن سود صادقانه ببریم.

مسیح هیچگاه از نادرستی حمایت نمیکند و یا اجازه نمیدهد پیروانش به دیگران خیانت کنند تا برای خود سود کسب کنند. مسیحیان باید در تجارت و معاملات، کاملاً درستکار، امین، صادق و دلسوز باشند، اما همچنان باید قادر باشند که بدرستی معامله کنند و منفعت بدست بیاورند.

آنچه مسیح بر آن تاکید دارد این است که یک مدیر زیرک باید بدرستی از منفعتی که بدست آورده استفاده کند و هر قدر بیشتر بدست بیاورد، وظیفه دارد آن را بدرستی مصرف کند. در مورد دوستم جان باید بگویم که او پولش را کنار گذاشت و سرمایه اندکش را برای کمک به فقرا و پیشبرد ملکوت خداوند اختصاص داد. سرمایه او زندگی هزاران نفر را لمس کرده و برکت بخشید. چه نمونه عالی و خوبی!

مسیح به ما توصیه میکند که هوشیار باشیم و برای گسترش پادشاهی خداوند پول بدست بیاوریم.

ج - جوابگویی

مسیح بارها به ما آموخته که روزی حساب آنچه را که انجام داده ایم باید پس بدهیم. حسابها مورد بازدید قرار خواهند گرفت و به آنها رسیدگی میشود. شاید بررسی حساب همیشه در این دنیا نباشد، اما در زندگی آینده خواهد بود.

ما همه پاسخگوی آنچه که انجام داده ایم، هستیم. مسیح در یکی از داستانهایش میگوید: "بعد از مدتی زیادی ارباب برگشت و با خدمتگاران به تصفیه حساب پرداخت." در داستان ناظر نادرست، مرد ارباب گفت: "حسابها یت را پس بده" (لوقا ۱۶: ۲).

پیش از اینکه این بخش را به پایان برسانیم، دو هشدار دیگر میدهم.

اولتر از همه اینکه ما باید در مقابل خداوند پاسخگو باشیم. گاهی اوقات مسیحیان بدون اینکه واقعاً از شرایط دیگران آگاه باشند و گاه از روی حسادت، نسبت به یکدیگر مشکوک میشوند و با عجله و شتاب داوری میکنند. ما نباید افرادی را که مسئولیت شان را بطور شایسته انجام نمیدهند، به زودی مورد داوری قرار دهیم. خدا از اسرار قلوب مردم آگاه است و فقط او میداند که مردم با استعدادهای خود چه میکنند. بیائید مواظب باشیم که جای خدا را نگیریم و در قضاوت نسبت به دیگران با گذشت باشیم.

در عین حال لازم است که ما در امور مالی مربوط به خود و همچنین نسبت به دیگران صادق باشیم. در امور مالی خود باید از هر چیز که باعث ایجاد شک و سوءظن شود، پرهیز کنیم. به همین دلیل بود که پولس رسول به کلیسا دستور داد که حتماً دو نفر، پولهای را که ایمانداران به کلیسا هدیه میکنند، بشمارند. حساب پولهایی که به کلیسا اهدا میشود، باید کاملاً دقیق و واضح باشد.

د - پلان گزاری

بعضی مردم فکر میکنند خراج بودن نشانه مردانگی است. آنها در عروسیها و یا محافل دیگر، با مصارف گزاف شان نشان میدهند که چقدر بی پروا هستند. شخص شاید

بگوید: ”من امروز این پول را که در جیب من است، کاملاً مصرف میکنم. خدا روزی رسان فردای من است بنابراین احتیاجی به نگرانی ندارم.“

ما بعنوان پیروان مسیح نگهبانان و مدیران هدایای خداوند هستیم؛ یعنی ما باید یاد بگیریم که هدایای خداوند را عاقلانه و برای جلال خداوند مصرف کنیم، نه برای اغراض شخصی خود. کتاب مقدس به ما می آموزد که سخاوتمند باشیم و برای نان روزانه ما به خدا اعتماد کنیم. اما در عین حال کتاب مقدس به ما می آموزد که برای آینده پلان گزاری کنیم. مسئله اینجاست بعضی ها زمانیکه برکت مالی پیدا میکنند، آن را بی خیال مصرف میکنند و بنابراین بعد از مدت کوتاهی دوباره نیازمند دیگران میگردند. اگر با پلان خوب پول خود را مصرف کنیم خوب خواهد بود و پلان گزاری نمونه تدبیر است نه خسیس بودن.

یکی از دلایلی که از یوسف، فرزند یعقوب، بخاطر ایمانش نام برده میشود این است که او محاسب خوب بود. او میدانست که درآمد و مصرف ملی مصر را چگونه پلان کند تا به یکباره تمام نشود، و بتواند در آینده از آن برای منفعت همگانی استفاده کند. قحطی مصر را در آینده نزدیک تهدید میکرد، بنابراین ”یوسف تمام مواد غذایی را که در آن هفت سال فراوانی حاصل شد جمع کرد.“ سپس وقتی سالهای سخت قحطی فرا رسید ”یوسف انبارها را باز کرد و غله جات را فروخت.“ شما میتوانید داستان کامل آنرا در در کتاب پیدایش بخوانید. (پیدایش ۴۱: ۴۱-۵۱).

سلیمان پادشاه برای ما از مورچه ها مثال میزند که نمونه ای از برنامه ریزی عاقلانه برای آینده هستند.

- ”ای آدمهای تنبل، زندگی مورچه ها را مشاهده کنید و درس عبرت بگیرید. آنها ارباب، رهبر و رئیس ندارند، ولی با این همه در طول تابستان زحمت میکشند و برای زمستان آذوقه جمع میکنند“ (امثال ۶: ۸-۶).

مورچه میداند چطور برای آینده آذوقه جمع کند و سلیمان از خواندگانش میخواهد که همین کار را بکنند. وقتی درآمد خود را با حکمت مصرف کنیم، عاقل هستیم و به این ترتیب چیزی برای فردا داریم.

- “خانه شخص دانا از نعمت پر است، ولی آدم نادان هرچه بدست می آورد بر باد میدهد” (امثال ۲۰:۲۱).

وقتی یاد میگیریم که برای آینده خود برنامه ریزی کنیم، مسائل متعددی هستند که باید در نظر داشته باشیم.

- بین خسیس بودن و صرفه جو بودن تفاوت است. شخص خسیس بسیار خود خواه است، ولی شخص صرفه جو عاقل است، زیرا میداند که باید برای آینده برنامه ریزی کند. ما باید در هدیه دادن سخاوتمند باشیم، و در عین حال یاد بگیریم که در امور شخصی صرفه جو باشیم.
- باید یاد بگیریم که در خرید صبور باشیم. نباید پول خود را بخاطر هم چشمی مصرف کنیم زیرا این کار باعث تهی شدن جیبهای ما میگردد. بجای خرید از روی بی احتیاطی بهتر است بپرسیم، که آیا به چیزی احتیاج داریم؟
- در بعضی فرهنگها مردم پولشان را طبق بودجه منظم مصرف میکنند. این بدان معناست که آنها محاسبه میکنند چطور میتوانند پولشان را بر حسب نیازهایشان تقسیم بندی کنند. در اول هر ماه تصمیم میگیرند که کمتر از میزان درآمد ماهانه شان مصرف کنند. این کاری عاقلانه است که شخص تمام هزینه هایش را حساب کند و فهرستی از آنچه که طی ماه مصرف کرده نگهدارد.

فصل هشتم

چگونه هدیه کنیم؟

مسیح اندکی پیش از مصلوب شدن، همراه با شاگردانش در اورشلیم درخانه خدا بود. در قسمت معینی از خانه خدا صندوق بزرگ هدایا بود که بازدید کنندگان، هدایای خود را در آن می انداختند. این هدایا برای کارهای معبد مورد استفاده قرار میگرفتند. مسیح و شاگردانش مشغول تماشای چند یهودی ثروتمند بودند که میخواستند هدایای خود را درون صندوق بریزند و همانطور که تماشا میکردند اتفاق عجیبی افتاد. پیر زنی آمد و دو سکه ناچیز را به صندوق انداخت. عیسی شاگردان خود را پیش خود خواست و به ایشان گفت:

”بیقین بدانید که این بیوه زن فقیر بیش از همه کسانی که در صندوق پول انداختند پول داده است. چون آنها از آنچه که برای آن مصرفی نداشتند دادند، اما او با وجود تنگدستی، هرچه داشت یعنی تمام معاش خود را داد“ (مرقس ۱۲: ۴۱-۴۴).

پنهان دادن

مسیح میخواست پیروانش حقیقت مهمی را درک کنند. میزان پولی که میتوانیم برای پیشبرد کار پادشاهی خداوند بدهیم به نسبت احساسات قلب ما در هنگام هدیه کردن ارزش کمتری دارد. دو سکه ناچیز آن پیرزن که کار زیادی انجام نمیداد، نشاندهدۀ قلبی پر محبت بود که باعث خشنودی خدا گردید.

آن بیوه زن این درسها را به ما میاموزد.

- فقیر بودن دلیلی برای هدیه نکردن نیست. بگذارید ثروتمندان هر قدر که میتوانند اهدا کنند و فقرا نیز آنچه را که در توان دارند اهدا کنند.

- خداوند به قلب شما نگاه میکند و آرزو دارد ببیند چقدر عشق و سخاوت در آن نهفته است که باعث شکوه خداوند گردد.
- عشق و احساس نسبت به خدا و مردم نیازمند، بسیار مهمتر از مقدار و میزان پول اهدا شده میباشد.

مسیح در موعظهٔ سر کوه یک هشدار دیگر دربارهٔ اهدا کردن به دلایل نادرست داد: “هشیار باشید که کارهای نیک خود را برای جلب توجه مردم پیش چشم دیگران انجام ندهید ... پس هرگاه صدقه میدهی آنها را دهل و سرنا اعلام نکن چنانکه منافقان در کنیسه ها و سرکها میکنند تا مورد ستایش مردم قرار بگیرند. بیقین بدانید که آنان اجر خود را یافته اند” (متی ۶: ۱-۲).

چه خطر بزرگی! هر کس دوست دارد مشهور شود و از طرف سایر مردم مورد ستایش و تحسین قرار گیرد. مسلماً اشخاص ثروتمندی که هدایای خود را در درون صندوق میانداختند، میخواستند مورد توجه قرار بگیرند. آنها میخواستند بعنوان افرادی ثروتمند و سخاوتمند توسط سایر مردم مورد احترام قرار گیرند. امروز هم بسیاری ها مایلند که مورد احترام قرار گیرند و دیگران سخاوت ایشان را تحسین کنند. اما مسیح این تمایل را بشدت محکوم میکند. او میگوید:

“هرگاه صدقه میدهی نگذار دست چپ تو از آنچه دست راست میکند آگاه شود. از صدقه دادن تو کسی با خبر نشود و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست اجر تو را خواهد داد” (متی ۶: ۳-۴).

طریقهٔ درست اهدا کردن، نهانی است، طوری که فقط خداوند از آن آگاه باشد. آنگاه خداوند به شما پاداش خواهد داد. این عزت است که هر ایماندار واقعی باید در جستجوی آن باشد. آنگاه در روز آخر مسیح به شما خواهد گفت: “آفرین خدمتگزار صادق و خوب من!” زیرا او قادر به دیدن قلب شماست و تنها او میتواند ببیند که حقیقتاً چقدر سخاوتمند بوده اید! اگر هدیهٔ خود را به خاطر اینکه مورد ستایش مردم قرار بگیریم اهدا میکنیم، درین صورت پاداش خود را از مردم گرفته ایم نه از خدا.

سخاوت شادمانه

احساس دیگری نیز وجود دارد که باعث شادمانی خداوند میشود. پولس رسول برای قرن‌تین نوشت تا آنان را به سخاوت شادمانه تشویق کند.

”پس هر کس باید مطابق آن چه در دل خود تصمیم گرفته است، بدهد و نه از روی بی‌علاقه و زور، زیرا خدا کسی را دوست دارد که با خوشی می‌بخشد“ (دوم قرن‌تین ۹: ۷).

پولس می‌خواست آنان را متوجه سازد که اهدا کردن عمل لذت بخش است و نباید با چهره‌ای غمگین و دلی ناراض انجام گیرد. همچنین خدا از دیدن فرزندانش که با خوشی اهدا میکنند خشنود می‌گردد.

چقدر باید هدیه بدهید

فقط خودتان میتوانید تصمیم بگیرید که چقدر باید به خدا هدیه دهند.

در عهد عتیق، به یهودیان دستور داده شده بود که یک دهم درآمدشان را به خدا هدیه دهند. خداوند به اسرائیل فرمود: ”از تمام محصولات هر ساله باید یک دهم را کنار بگذارید“ (تثنیه ۱۴: ۲۲). این امر بنام ”ده یک“ شناخته شد و برای پرداخت هزینه خدمت کاهنان معبد بعنوان مخارج به آنها مصرف میشد.

اهدا کردن یک دهم در آمد، رسم و رواج در میان تمام نیکوکاران یهودی گشت. در یکی از مثل‌های مسیح، یک شخص فریسی به خود افتخار کرده در دعای خود گفت: ”هفته‌ای دو بار روزه می‌گیرم و ده یک همه چیزهای را که به دست می‌آورم میدهم“ (لوقا ۱۸: ۱۲). نیکوکاران یهودی به پرداخت یک دهم درآمدشان در راه خدا بعنوان حد اقل وظیفه‌شان نگاه میکردند. این کار نمونه خوبی است، اما قانون محکم برای مسیحیان نیست.

اما ممکن است بعضی از شما حتی قادر به پرداخت بیش از یک دهم از درآمد خود باشید. موسی به اسرائیلیها آموخت که باید تصمیم خود را بگیرند: "هیچکس نباید دست خالی به حضور خدا بیاید. هر یک از شما باید تا جایی که از دستتان بر می آید به نسبت برکتی که از خدا یافته اید هدیه بدهید" (تثنیه ۱۶: ۱۷).

اگر معاش ماهیانه شما مبلغ ۳۰۰۰ افغانی است، خوب است مبلغ ۳۰۰ افغانی را کنار بگذارید که هدیه بدهید. و اگر خدا از نظر مالی به شما برکت داده و مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی بدست میآورید، ممکن است بتوانید بیش از یک دهم بدهید. مؤسس کلیسای متدیست (وفات ۱۷۹۱ میلادی) یک خادم مسیحی بود و معاش ناچیزی داشت. او آموخت که بسادگی زندگی کند و حتماً یک دهم معاشش را هدیه میکرد. اما خدا به او برکت بخشید. با این حال او به زندگی ساده خود به همان میزان سابق ادامه داد و متوجه شد که میتواند بیش از یک دهم معاش خود را که رو به افزایش بود هدیه کند.

این روش هدیه دادن او بود: "من بدون اینکه به روح و جسم ضرری رسانیده باشم میتوانم یک مقدار پول را کمایی نمایم و تا جایی که بتوانم پس انداز میکنم، و هیچ چیز را هدر نمیکشم، حتی یک ورق کاغذ و یا یک گلاس آب. و در صورت امکان هر آنچه را بتوانم هدیه میکنم، من از جمع کردن پول روی زمین آزاد هستم."

مهم است بخاطر بسپاریم که سخاوت فقط در پول خلاصه نمیشود. بسیاری از مردم در مهمان نوازی، و تهیه غذا و سرپناه برای نیازمندان و یا بخشش در راههای دیگر سخاوتمند هستند. خداوند هر آنچه را که شما سخاوتمندانه برای برآوردن نیاز محتاجان انجام میدهید، میبیند.

چگونه میتوانید هدیه های خود را برنامه ریزی نمائیم

متأسفانه بسیاری از مسیحیان در هدیه دادن نامنظم هستند. آنها هدیه دادن های شانرا پلان نمیکند و بنابراین در موقعیت مناسب برای اهدای پول، آماده نیستند. در

بسیاری از کلیساهای سراسر دنیا در جریان محفل عبادت صندوقهای هدایا (صندوق محبت) را می آورند تا مردم هدیه های خود را اهدا کنند، متأسفانه بعضی ها بجای اینکه آن را فرصتی مناسب بدانند آنرا مزاحم می شمارند. بنابراین جیبهای خود را می پالد تا بلکه چند سکه پیدا کنند. چون برنامه ریزی مناسبی برای هدیه کردن ندارد، معمولاً بسیار کم اهدا میکنند. در مقابل این بی توجهی، پولس رسول به مسیحیان قرن تس اهمیت اهدا کردن منظم و با قاعده را آموخت.

”یعنی در اولین روز هر هفته (روز یکشنبه) هر یک از شما باید به نسبت در آمد خود مقداری پول کنار بگذارید و آن را پس انداز کنید تا موقع آمدن من احتیاجی به جمع آوری پول نباشد“ (اول قرنتیان ۱۶: ۲).

اگر شما سرپرست خانواده هستید، باید اول هر ماه یا هفته تصمیم بگیرید که چه مبلغی در نظر دارید که هدیه کنید. اما به منظور شریک ساختن خانواده در برکت هدیه دادن، فکر خوبی است که تمام اعضای خانواده را دور هم جمع کنید و بروی مبلغی که میخواهید هدیه کنید با هم توافق کنید. به این ترتیب هر یک از اعضای خانواده میتواند از هدیه دادن احساس رضایت کند، تا به این ترتیب همه ازین برکت لذت ببرند.

فصل نهم

این هدایا باید به کی‌ها داده شوند؟

در ملکوت خداوند نیازهای متعدد به پول وجود دارد. بنابراین باید بسیار عاقلانه و متفکرانه پول خود را هدیه کنید تا نهایت استفاده از آن برده شود. احمقانه است که پول خود را به شخصی بدهید که آن را هدر کند، و خودخواهانه یا از روی بیدقتی آن را مصرف کند، نه در راه گسترش پادشاهی خداوند.

خداوند از ما خواسته که در مقابل تمام منابعی که در اختیار ما قرار داده "ناظرین امین و با تدبیر" باشیم (لوقا ۱۲: ۴۲). همچنان دیدیم که معنی امانت دار بودن و مسئولانه برخورد کردن چیزی است که خدا از ما توقع دارد. وقتی هدیه می‌دهید باید بدقت تصمیم بگیرید که آن را به چه کسی و یا به کدام موسسه یی بدهید. خوشبختانه کتاب مقدس راهنمای خوب در این زمینه است.

۱ - اهدا کردن به فقرا

مسیح به مرد جوان ثروتمندی گفت: "اگر می‌خواهی کامل باشی برو، دارائی خود را بفروش و به بیچارگان بده" (متی ۱۹: ۲۱). در سراسر کتاب مقدس خداوند از توجه ویژه به فقرا سخن می‌گوید. همواره به ایمانداران فرمان داده شده که بر فقرا و بیچارگان رحم داشته باشند. مسیح مرتباً به احتیاجات آنها توجه میکرد و محبت خود را با پول دادن، شفا بخشیدن و کمک کردن به آنان نشان میداد. رسولان نیز کلیسای اولیه را واداشتند که به فقرا توجه کنند. پولس رسول به کلیسای غلاطیان گفت که "در فکر فقرا باشیم"

(غلاطیان ۲: ۱۰).

امروز در جهان تعداد فقرا بیشتر از هر زمان دیگر است و مسیحیان وظیفه ویژه ای برای کمک به فقرا دارند. پس یکی از خدمات مسیحیان این است: به کسانی که واقعاً احتیاج دارد هدیه های مالی بدهند.

- اول بسنجید که چگونه میتوانید به دیگر ایمانداران نیازمند کمک کنید.
- هیچگاه از کمک به انسانهایی که از فقر رنج میبرند چشم پوشی نکنید. البته نمیتوانید نیازهای تمام نیازمندان را برآورده سازید، اما هرگز اجازه ندهید که قلب تان سخت شود.
- وقتی مصیبتی از قبیل بیماری، دزدی و یا بلایای طبیعی پیش می آید، مسیحیان باید با مهربانی برای کمک مالی و سایر کمک ها آماده باشند.

باید کوشش کرد که فقرا از فقر بیرون شوند و به خود متکی شوند.

در زمستان ۱۹۹۷ جمعیتی غضبناکی، یک دهکده مسیحی بنام شانتینگار را در پاکستان به آتش کشیدند. تقریباً تمام خانه ها ویران شدند. مسیحیان پاکستان ثروتمند نیستند و اغلب زیاد اهدا نمیکند. اما در این مورد، سراسر کشور با پرداخت هدایای مالی، مواد غذایی، پوشاک و سایر کمکهای عملی به نحوی شگفت انگیز پاسخ دادند. اینکه مسیحیان حتی در زمان فقر و نیاز به هنگام بروز چنین مصیبتی سخاوتمند بودند برای همه برکت بزرگ بود. حتی فقیرترین مردم اگر بخواهند میتوانند به فقیرتر از خود کمک کنند.

۲ - به کلیسا و یا مشارکت خود هدیه کنید.

اولین هدف از "ده یک" در عهد عتیق، حمایت کاهنان و پیشبرد کار معبد بود. پولس رسول به شبانان کلیسا و مبشران نیز چنین چیزی را گفته است: "ما در دل شما بذر نیکوی روحانی را کاشتیم. آیا جای تعجب است اگر از شما کمک مادی بگیریم؟ ... و

بهمان طریق خداوند امر کرده است کسانی که بشارت میدهند معاش خود را از آن راه تامین کنند“ (اول قرنیتان ۹: ۱۱، ۱۴).

پولس همچنان می آموزد کسانی که برای کار خدا زحمت میکشند باید مورد حمایت قرار گیرند:

”رهبرانی را که به خوبی رهبری میکنند مخصوصاً آنانیکه در وعظ و تعلیم زحمت میکشند باید مستحق دریافت مزد دو برابر دانست زیرا نوشته است: ‘دهان گاوی را که خرمن میکوبد نبند’ و ‘کارگر مستحق مزد خود میباشد’“ (اول تیموتائوس ۵: ۱۷-۱۸).

کلیسای اولیه هرگز با پول دولت مورد حمایت قرار نمیگرفت. در واقع، کلیسای محلی برای بالغ شدن و خدمت به دیگران، به حمایت مالی اعضای خود نیازمند است. کلیسای سالم در سراسر دنیا با پول دولت مورد حمایت قرار نمیگیرند، بلکه با حمایت سخاوتمندانه اعضای خود حمایت میشوند. هر زمانکه دولت از کلیسا حمایت کند، کلیسا با سیاست آمیخته میشود و به فساد میانجامد. مثالهای زیادی از این نمونه در قرون وسطی و تاریخچه مستعمراتی در غرب و شرق وجود دارد. وظیفه ایمانداران محلی است که از زندگی کلیسای خود حمایت کنند و مصارف آنرا بدوش خود بگیرند. این بدان معناست که تنها انداختن چند سکه در صندوق هدایا کافی نیست. هر ایماندار و عضو کلیسا باید بدقت بیندیشد که برای حمایت از کار خدا در کلیسای محلی چقدر باید بدهد و خود را مؤظف بداند که آن را بصورت مرتب بپردازد.

بسیار تاسف آور است که بعضی کلیساها فقیر میباشند و نمیتواند شبانان خود را توسط اعضای خود درست حمایت کنند. اینکه کلیسای محلی خود نمیتواند مصارف خود را تامین کنند، شکست بزرگ است. اعضای کلیسا، چون به خداوند مسیح تعهد سپردند، باید به اساس همان تعهد از کلیسای محلی حمایت کنند.

بسیاری از شبانان بالای کمک مردم خود حساب میکنند، و این کاملاً ضروری است که اعضای کلیسا محلی مطمئن شوند رهبران کلیسا پول کافی برای زندگی خود دارند.

۳ - اهدا کردن به موسسات مسیحی

احتیاجات ایماندارانی که با آنها مشارکت دارید ترجیحیت دارد. اما همانطور که تعداد مشارکت کنندگان زیاد و زیاد ترمیشوند، بعضی مسیحیان برای خدمت در ملکوت خداوند از طریق سازمانها و موسسات فراخوانده میشوند. این سازمانهای مسیحی در کنار کلیساهای محلی و با کمک متخصصان و مجربان برای حمایت و کمک به نیازمندان کار میکنند. این موسسات به کمکهای مالی دیگر مسیحیان احتیاج دارند. بدون خدمات عالی "انجمن کتاب مقدس" موسسات خدمت به کودکان، کارهای ادبی و سایر سازمانهایی که به حمایت ما احتیاج دارند، کلیساهای سراسر دنیا پیشرفت نمیکرد. (در عین حال باید بسیار مراقب باشیم که فکر نکنیم مشارکت ایمانداران باید مانند NGO و یا سایر موسساتی از این قبیل گردد). کلیسا باید در مرحله اول و مهمتر از همه اتحاد ایمانداران باشد که بدون سازماندهی بیکدیگر خدمت میکند. اما کلیسا میتواند انگیزه تولد و یا رشد سازمانهای خوبی گردد که در گسترش ملکوت خداوند تخصص دارند.

اگر فکر کنیم که همیشه مسیونران (مبلغین) خارجی و یا ثروتمندان غربی باید بهای انجام این کار را بدهند، مرتکب اشتباهی غم انگیز شده ایم! یک روز این منابع خواهند رفت و پولی برای حمایت از کار عالی سازمانهای مسیحی که به آن وابسته ایم، وجود نخواهد داشت. ما باید برای حفظ و تمامیت کلیسای خود و برای ادامه کار، گرد هم جمع شویم و از منابع خود استفاده کنیم. چنانچه بسیار افتخار آمیز خواهد بود اگر بتوانیم سازمانهایی محلی را گسترش دهیم که از نظر مالی توسط کلیساها و مسیحیان محلی حمایت میشوند.

بسیار سازمانهای خوبی مسیحی هستند که به نام مسیح خدمت میکنند و سزاوار حمایتهای ما هستند.

- انجمن کتاب مقدس برای نشر و پخش کتاب مقدس و سایر کتب روحانی به زبانهای مختلف کار میکند و تسهیلات ویژه در اختیار کلیسا قرار میدهد. آنها بر

کمکهای سخاوتمندانه مسیحیان تکیه دارند و میتوان اطمینان داشت که بخوبی از پول برای نشر کتاب مقدس به زبانهای مختلف که برای همگان قابل فهم باشد و به قیمتی مناسبی که همه مردم بتوانند از عهده آن بر آیند، استفاده میکنند.

- این امر با سازمانهایی که با کودکان و یا با محصلین کار میکنند و سازماندهی کتابهای درسی و کمپهای مسیحی را به عهده دارند، صدق میکند. آنها نیازمند کمک ما هستند.
- سازمانهای مسیحی بیشماری وجود دارند که با تهیه غذا و پوشاک، آسایش جسمی نیازمندان، مراقبت صحتی و بالا بردن سطح زندگی به افراد فقیر و نیازمند و یا عقب مانده و یا بیمار کمک میکنند.
- مبشرین انجیل باید نقش مهمی در هدایای ما داشته باشند. وظیفه کلیسا موعظه کتاب مقدس و جلب مردم بسوی مسیح است. هر مسیحی باید نقش خود را در دعا، خدمت عملی و هدیه کردن به کلیسا ایفا کند.
- بسیاری از سازمانهای دیگر هستند که منتظر حمایت کلیسا میباشند. هر انجمن مسیحی که کار تجاری و یا فروش محصولات را انجام ندهد، قطعاً به کمک سخاوتمندانه وابسته است. ببینید که هدیه شما در کجا میتواند تفاوت برای ملکوت خدا ایجاد کند.

این را بخاطر داشته باشید، اگر تصمیم بگیرید که مقداری از پول خود را برای کمک به سایرین بدهید، مطمئن باشید که بزودی وسوسه خواهید شد از آن تصمیم صرف نظر کنید. شیطان، دنیا و نفس خود شما را وسوسه میکنند که یک مسیحی سخاوتمند نباشید! بلا فاصله بهانه های مختلف به نظر تان خواهد آمد.

- باید برای خودم چند دست لباس بخرم.
- پسر کاکایم از من خواسته که برای ادامه تحصیل به او پول قرض بدهم.
- باید این پول را برای مواقع بیماری و بیکاری نگه دارم.
- احتمالاً باید زمینی بخرم و یا برای خودم خانه ای بسازم.
- برای یک عروسی فامیلی به پول احتیاج خواهم داشت.

دلایل زیادی وجود دارند که ما را از سخاوتمندی باز دارد. باید یک گام در ایمان برداریم و بخود بگوئیم: ”البته برای خودم به این پول نیاز دارم، اما خداوند برای ملکوت

خود به آن نیازمند است و به من فرمان داده آن را اهدا کنم. علاوه بر این خداوند وعده فرموده که اگر من هدیه کنم، او نیز در مقابل به من هدیه خواهد کرد....“

بیآئید شرافت و برکت سخاوت را بیاموزیم و گامی در ایمان برداریم. خدا به وعده خویش وفا خواهد کرد!

۱ - تصمیم بگیرید که هر ماه چقدر باید اهدا کنید

اگر هر ماه ۳۰۰۰ افغانی و یا مقدار مشابهی درآمد دارید، تصمیم بگیرید که با ده یک یعنی ۳۰۰ افغانی شروع کنید و اگر ۶۰۰۰ افغانی درآمد دارید ۶۰۰ افغانی بدهید.

۲ - برای تقسیم هدیه خود برنامه ریزی کنید

اگر میخواهید ماهانه ۳۰۰ افغانی هدیه بدهید، میتوانید مانند ذیل برنامه ریزی کنید

- مقداری پول برای کمک به فقرا اختصاص دهید ۱۰۰ افغانی
- به کلیساهای محلی و یا مشارکت خود بدهید، ۵۰ افغانی
- نیازهای ویژه (مثلاً، هزینه، ساختمان، کلیسا و یا مجمع و ...) ۵۰ افغانی
- انجمن کتاب مقدس و یا سازمان مسیحی دیگر ۱۰۰ افغانی

۳ - تصمیم بگیرید که چگونه به فقرا بدهید

- ممکن است یکی از ایمانداران را در مشارکت خود بشناسید که پول کمی دارد و یا برای پرداخت هزینه کتابهای درسی فرزندش مشکل دارد.
- مخصوصاً نسبت به بیوه زنان که درآمد خود را از دست داده و تلاش میکنند که زنده بمانند و اطفال خود را بزرگ کنند، حساس باشید. آماده کمک به آنها باشید.

- ممکن است حرف گدایان را باور نکنید، زیرا بعضی از آنان نیازمند نیستند. اما مردم واقعاً فقیری در کوچه ها و سرکها هستند که باید به آنها کمک کنید. معمولاً میتوانید کسی را که واقعاً نیازمند است تشخیص دهید. قلبتان را سخت نکنید.
- افراد کور، بیمار و فلج به دلسوزی خاص شما نیازمندند.

۴ - نسبت به کلیسای خود سخاوتمند باشید

خوب است که مرتباً هدایای خود را به مشارکت خود بدهید و یا در صندوق هدایا بیاندازید. به این ترتیب هیچکس بجز خدا متوجه نخواهد شد که چقدر داده اید. "از صدقه دادن تو کسی با خبر نشود و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست اجر تو را خواهد داد" (متی ۶: ۴).

۵ - ببینید کجا از پول شما بخوبی استفاده خواهد شد

مراقب باشید پول خود را ضایع نکنید. به همین دلیل باید قبل از اینکه پولتان را به سازمانی بدهید، بفهمید که بعضی از سازمانهای مسیحی چه میکنند. شما میتوانید نامه ای به سازمان مسیحی بنوسید و قبل از اینکه هدیه تان را بدهید از آنها بخواهید تا خبرنامه، کتابچه دعا و یا گزارشهای ایشان را برای شما بفرستند. آنها را بدقت بخوانید و ببینید که آیا آن سازمانها ارزش حمایت مالی و دعاهای شما را دارند. ممکن است شخصی را بشناسید که در چنین سازمانی کار میکند و به حمایت مالی شما احتیاج داشته باشد. از آنها بپرسید که چگونه میتوانید منظم به آنها کمک کنید.